**تحلیل نقش تغییرات جمعیتی بر ساختار کشاورزی روستاها**

**(مطالعه موردی: شهرستان سردشت)**

**شیـرکو احمدی[[1]](#footnote-1)\***

1- دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز سردشت، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، سردشت، ایران. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، ارومیه، ایران.

 shirkoahmadi@Gmail.com

**نشانی کامل نویسنده عهده­دار مکاتبات: استان آذربایجان غربی- شهر سردشت – انتهای خیابان پلیس انقلاب، پلاک 218، کد پستی 38879-59617، تلفن: 09129335512، پست الکترونیکی:** **Shirkoahmadi@gmail.com**

**تحلیل نقش تغییرات جمعیتی بر ساختار کشاورزی روستاها**

**(مطالعه موردی: شهرستان سردشت)**

**چکیده**

روستا و روستانشيني در ايران از اهميت بالایی برخوردار است،عدم توجه به فضاهاي روستايي،توان و امكانات توليدي نواحي روستايي و بي­توجهي به نيروي انساني پرتوان روستاها،از مشكلات اساسي در دستيابي به توسعه­ی روستايي است.اینکه مناطق روستایی به طور عام و بخش کشاورزی به طور خاص چگونه از تغییرات جمعیت تأثیر می­پذیرد مستلزم بررسی چندین عامل است.در این راستا،تشخیص آثار متقابل تغییرات جمعیت بر ساختارهای کشاورزی ضروری است.قرار گرفتن شهرستان سردشت در منطقه کوهستانی، این شهرستان را با محدودیت­های محیطی مرتبط با رشد بخش کشاورزی مواجه نموده است.همچنین، تغییرات جمعیتی نیز منجر به افزایش دامنه محدودیت­های توسعه بخش کشاورزی شده که تبعات متعددی را به دنبال داشته است.در این پژوهش، به بررسی تأثیر تغییرات کمی و کیفی جمعیتی روستاها،بر ساختارهای کشاورزی پرداخته شده که عمده­ترین آن‌ها شیوه­ی تولید محصولات زراعی،جمعیت شاغلین بخش کشاورزی،شیوه­های تولید و تکنولوژی بخش کشاورزی در شهرستان سردشت است.روش تحقیق مبتنی بر مطالعات کتابخانه­ای و بررسی میدانی و پیمایشی می­باشد.جامعه آماری این تحقیق را 169 روستا از بخش مرکزی را تشکیل می­دهند که از این تعداد 32 روستا با استفاده از روش نمونه­گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده­ها از نرم افزارSPSS استفاده شده است.

نتایج نشان می­دهد که از بین عوامل و تغییرات جمعیتی،مهاجرت عمده­ترین عامل تغییر و تحولات جمعیتی در منطقه مورد مطالعه بوده که اثرات آن به صورت کاهش و تخلیه جمعیتی منطقه جلوه­گر شده است.همچنین نتایج حاصل از آزمون T نشان می­دهد که تغییرات جمعیتی منطقه بیشترین اثرات خود را در بین ساختارهای کشاورزی،بر ساختار شغلی بخش کشاورزی ایجاد کرده است و نشان دهنده­ی این مطلب است که در منطقه­ی مورد مطالعه فعالیت­های کشاورزی جوابگوی نیازهای اقتصادی و وضعیت اشتغال منطقه نیست. بنابراین لازم است به منظور افزایش درآمد،کاهش مهاجرت­های روستایی و ایجاد اشتغال از توانمندی­های محیطی به منظور ایجاد تعادل و اشتغال در منطقه توجه اساسی شود.

**واژه­های کلیدی: بخش مرکزی، بخش کشاورزی، تحلیل تغییرات جمعیت، ساختار، شهرستان سردشت.**

**مقدمه**

امروزه یکی از مهم‌ترین مسائلی که توجه تعداد فراوانی از کارشناسان و برنامه­ریزان ناحیه­ای را به خود جلب کرده است، جمعیت نواحی مختلف جغرافیایی می­باشد. بدون آگاهی از وضعیت جمعیتی یک فضای جغرافیایی و یا بدون داشتن آمارهای درست و عدم دقت در ترکیب و ساختمان جمعیت، نتیجه­گیری در برنامه­ریزی­های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی را در یک ناحیه­ی جغرافیایی، با شکست مواجه می­سازد. انجام پروژه­های نصب صنایع، عمران روستایی و زراعی، توسعه شهری، بدون توجه به مسائل جمعیتی نواحی، کاری عبث و بیهوده است. در تقسیم­بندی­ بخش­های مختلف شهر، شهرستان و یا استان، اولین موردی که ذهن هر محق را به خود جلب می­کند، جمعیت این فضاها می­باشد. بنابراین مهم­ترین و پراهمیت­ترین برنامه­ریزی در کشور، برنامه­ریزی جمعیت است. شاید هیچ هزینه­گذاریی، اقتصادی­تر از هزینه­کردن برای برنامه­ریزی­های جمعیتی نباشد (مطیعی لنگرودی، 1383: 201).

رشد سریع جمعیت در بسیاری از مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، موجبات مسائل معیشتی به ویژه در ارتباط با کشاورزی را فراهم کرده است. در پاسخ به این که جمعیت­های روستایی چه تدابیری در ارتباط با محدودیت منابع به تکنولوژی کشاورزی، اشتغال و رفتارهای جمعیتی اتخاذ می­کنند و پیامدهای این تدابیر در رابطه با رفاه عمومی به ویژه تأمین غذایی، کدامند، فهم موارد زیر ضروری است: الف) روابط بین رشد جمعیت، اقتصاد روستایی و تأمین غذا ب) نهادهای مؤثر بر توزیع زمین، جمعیت­ها و تأمین غذا(بازراپ، 1965، 1995 و 1981؛ مک نیل و کین، 1990؛ کلمن و اکوفیلد، 1986 و ابراهیم پور، 1382: 51 و 89). بخش كشاورزي اهميت ويژه­اي در اقتصاد ايران دارد. اين بخش يكي از تواناترين بخش­هاي اقتصاد كشور و تأمين كننده بيش از يك پنجم توليد ناخالص داخلي، يك پنجم اشتغال، بيش از چهار پنجم نيازهاي غذايي و بيش از يك چهارم صادرات غيرنفتي است. توسعه بخش كشاورزي پيش شرط و نياز ضروري توسعه اقتصادي كشور است و تا زماني كه موانع توسعه در اين بخش برطرف نشود، ساير بخش­ها نيز به شكوفايي، رشد و توسعه دست نخواهند يافت(اميرتيموري، 1386: 57). بخش کشاورزي ضمن برخورداري از شرايط استراتژيک و دارا بودن مزيت نسبي در توسعه، يکي از بسترهاي مناسب جهت توسعه­ی پايدار اقتصادي کشور نيز تلقي مي­شود. با درک و شناخت زير ساخت­ها و عوامل موثر بر آن، ضروري است که برنامه­هاي مناسبي براي گسترش کمي و کيفي عوامل تاثيرگذار بر توليد اين بخش تهيه شود. در اين راستا منابع انساني، فيزيکي، سرمايه­اي و نهاده­ها از جمله اين عوامل مطرح و مورد تاکيد هستند. در اين ميان، منابع انساني ضمن ايفاي نقش به عنوان عامل اصلي، ساير عوامل را نيز تحت کنترل و تاثير خود دارد. بنابراين، ضروري است نسبت به تأمين و تربيت منابع انساني کارآمد، اقدام موثري صورت پذيرد و برنامه­ريزي نيروي انساني به عنوان مهمترين عامل و متغير توسعه کشاورزي مورد توجه قرار گيرد (منفرد و زمانی، 1385).

شهرستان سردشت در طول بیست سال گذشته به دلیل تغییر در روند موقعیت اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه در روند دگرگونی در روند ساختار عملکردی آن از نظر نقل و انتقالات جمعیتی و تحول آن تغییرات زیادی داشته و به شهرستانی مهاجرفرست تبدیل شده است. بدیهی است در این مدت این شهرستان از نظر حجم جمعیت، ساختار شغلی، نسبت جنسی، جمعیت شهری و روستایی و بالاخره مسائل اجتماعی، فرهنگی و محیطی در معرض تغییر و تحول شدید قرار گرفته است. با توجه به مطالب گفته شده نوشتار حاضر در پی تغییرات جمعیت روستایی و اثرات آن بر ساختار کشاورزی در بخش مرکزی شهرستان سردشت می­باشد. بنابراین با توجه به موارد بالا سؤالات زیر را در رابطه با این تحقیق مطرح است: 1- اصلی­ترین عامل تغییرات جمعیت روستایی بخش مرکزی شهرستان سردشت چه بوده است؟ 2- تغییرات جمعیتی منطقه بر کدام یک از عوامل ساختارهای کشاورزی در بخش مرکزی شهرستان سردشت تأثیر گذاشته است؟

**مبانی نظری**

جمعيت­شناسي مطالعه آماري جمعيت­ها است. در اين دانش تراكم، توزيع و ديگر آمارهاي مهم (مانند تولد، ازدواج، مرگ و غيره) بررسي مي­شوند. بخش­هايي از اين دانش كه امروزه اهميت بسياري يافته­اند عبارت‌اند از انفجار جمعيت، رابطه بين جمعيت و توسعه اقتصادي، اثر تنظيم خانواده، تراكم شهرها، مهاجرت­هاي غيرقانوني و افزون بر اين­ها به مطالعه اندازه، ساختار و توزيع جمعيت­ها و تغييرات آن‌ها در پاسخ به تولد، مرگ، مهاجرت، و سالخوردگي مي­پردازد. کلمه جمعیت به اجتماعی از افراد مقیم در یک مکان اطلاق می­شود، اعم از اینکه اقامتشان مستمر باشد یا موقت. در جمعیت­شناسی معمولاً منظور از جمعیت، تجمعی است از افراد انسان که در یک منطقه زیست می­کنند (امانی، 1380: 210 و 6). نظريه تغيير و پاسخ جمعيتي را نخستين بار کينگز لي ديويس در 1963 مطرح کرد، او معتقد بود هرگونه تغييرات اجتماعي و اقتصادي در جامعه­اي بوجود آيد، جمعيت­ها به تدريج پاسخ مناسبي در مقابل آن ارائه خواهند داد. البته اين پاسخ مردم بر اساس هدف­هاي فردي و نه ملي شکل مي­گيرد (مافی و همکاران، 1394: 3). تغییرات ساختاری عبارت است از تغییر در اهمیت نسبی بخش­های مختلف اقتصاد (کشاورزی، صنعت و خدمات) بر حسب تولید و عوامل مورد استفاده در تولید که از طریق تغییرات سازمانی و نهادی، چه به طور مستقیم و چه به طور غیر مستقیم، منجر به رشد اقتصادی می­شود (یحیی آبادی، 1382).

کشاورزی، در برگیرندۀ مجموعۀ فعالیت‌های اقتصادی– اجتماعی مربوط به کشت گیاهان، بهره‌برداری از مراتع و جنگل‌ها، پرورش جانوران اهلی و بهره‌برداری از منابع جانوری آبزی و غیر اهلی برای رفع نیازهای گوناگون مستقیم و غیرمستقیم انسان است (رزاقی، 1371: 2). چنانکه در گزارش بانک جهانی آمده است، در ترسیم راهبرد توسعۀ روستایی باید نگاه ویژه‌ای به نظام‌های کشاورزی صورت گیرد. این نگاه، به ‌صورت نهادینه­کردن نظام‌ها در سطوح ملی و محلی در مناطق روستایی مدنظر است. بنابراین، می‌توان تأکید کرد که در ایران نیز «نظام‌های کشاورزی، ابزارهای توسعۀ روستایی هستند که هر یک با روش خاصی در این مسیر حرکت می‌کنند» (الینا، 2003: 23؛ کوتسوریس، 2000: 61).

در میان دیدگاه‌های مطرح شده در باب تغییرات نظام کشاورزی؛ بوثروپ (1981 – 1965) به تراکم شدید جمعیت و نیاز به افزایش منابع و ذخایر غذایی به عنوان عامل تشدید بهره برداری از زمین، فون تونن (فون تونن، ۱۸۲۶) به فاصله از بازار به عنوان عامل اصلی تعیین کننده نظام بهره­ برداری کشاورزی، هگرسترند (۱۹۵۳) به انتشار نوآوری‌ها و تکنولوژی کشاورزی در زمان و مکان تاکید داشته‌اند. در این میان، رویکرد سیستمی در قالب نظریه ساختاری-کارکردی، قابلیت تحلیل و تبیین فرایند تغییرات ساختار کشاورزی و اقتصادی و عوامل و نیروهای تأثیر گذار بر آن را بیش از هر نظریه دیگر دارا می‌باشد. به طور کلی دگرگونی در هر پدیدهای تابع اصل کلی عوامل داخلی (درون زاد) و عوامل خارجی (برون زاد) و پیوند و اثرات متقابل بین آنهاست. در این میان هر کدام از دو عامل مزبور قوی­تر باشند، نقش موثرتری را در دگرگونی رشد و توسعه و یا رکود و نابودي آن پدیده ایفا می­کنند (ضياء توانا، 1369). در حیطه عوامل اصلی مؤثر بر توسعه بخش کشاورزی بسیاری از نظریه پردازان به نقش نیروی انسانی در تحول این بخش و نهایتاً توسعه روستایی تأكید ویژه‌ای داشته و دارند. آنان معتقدند هرگونه تغییرات کمی و کیفی در سرمایه انسانی می‌تواند به تغییرات عمده در تولید محصولات کشاورزی منجر شده و بهره وری این بخش را تحت تأثیر قرار دهد (Conto et al, 2011: 1777؛ 2009 ,Devitiis and Maietta).

توسعه کشاورزی نیز به نوبه خود بخش عمده­ای از فرآیند توسعه روستایی را به عهده دارد (نگینی فرد، ۱۳۹۰، ۵). عدم توسعه بخش کشاورزی منجر به مهاجرت‌های بی­رویه روستاییان به شهرها، بیکاری فزاینده و خصوصاً بیکاری پنهان، تشدید فقر و در نهایت به مخاطره افتادن امنیت غذایی می­شود. جمعیت­زدایی و تخلیه روستاها یکی از مهم­ترین معضلات جامعه روستایی است و بدون شک مهاجرت­های روستایی مهم­ترین عامل جمعیت­زدایی به حساب می­آید (میکانیکی و قالیبافان، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

فعالیت‌های مختلف اقتصادی به ویژه بخش کشاورزی دامداری، زراعت، باغداری، شکار و ماهیگیری در روستاها می‌توانند به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کنند. البته از این موضوع نباید غافل شد که در پایداری جمعیت عوامل دیگری مانند خشک سالی­ها، تغییرات اقلیمی، کمبود امکانات در زمینه‌های مختلف در روستاها، نیز تأثیر گذار می‌باشند و وجود امکانات در شهرها و دسترسی به آنها در کنار مشاغل باصرفه اقتصادی بالاتر نسبت به کشاورزی، نیز در این مورد مؤثر است؛ بنابراین با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در توسعه ملی، ایجاد بسترهای لازم کشاورزی روستایی متناسب با دنیای امروز، دادن انواع تسهیلات بخش کشاورزی، حمایت‌های لازم و غیره می‌تواند در جهت تثبیت جمعیت و توسعه خود این بخش و توسعه روستایی نقش به سزایی داشته باشد. با توجه به اینکه عدم پایداری جمعیت منجر به مهاجرت‌های بی رویه می‌شود، لذا موضوع مورد بررسی درنهایت بحث مهاجرت‌های روستایی به شهرها را بازگو می‌کند. مهاجرت‌های روستایی را در بطن فرایندهای توسعۀ اقتصادی تبیین می‌کند و از تضاد دو بخش اقتصادی سرمایه‌داری نوین در شهرها و معیشت سنتی در نواحی روستایی کشورهای درحال‌توسعه سخن می‌گوید که برایند آن، مهاجرت روستاییان مازاد به شهرهاست (جلالیان، 1386: 90). در این میان، مهاجرت‌های روستایی - شهری به دلیل پیامدهای اقتصادی - اجتماعی آن، بیش از سایر پدیده‌های جمعیتی مورد توجه قرار گرفته است (1996 : 9 ,Balan). نیروی کار، یکی از ارکان تولید در بخش کشاورزی به­ شمار می‌آید و مهاجرت روستاییان به شهرها را- با توجه به اینکه روستاییان منبع اصلی تأمین نیروی انسانی بخش کشاورزی به­شمار می‌آیند- می‌توان خروج نیروی کار از بخش کشاورزی به سایر بخش‌ها تلقی کرد (جهانی، 1385: 47). دانشمندان مختلفی چگونگی افزایش جمعیت و عوامل مؤثر بر آن را تبیین کرده­اند. بر اساس قدیمی­ترین نظریه در این زمینه یعنی نظریه مالتوس، افزایش استانداردهای زندگی موجب افزایش نرخ رشد جمعیت از طریق کاهش مرگ و میر (به ویژه مرگ و میر نوزادان) و افزایش باروری می­شود، به طوری که با ادامه این روند، با توجه به منابع محدود کره­ی زمین، بقای انسان به خطر خواهد افتاد (Foley, 2000: 309-317). آرتور لوئیس در سال 1954 در نظریه­ی خود که بعدها به وسیله فی و رانیس تکمیل شد مهاجرت را در بطن فرآیندهای توسعه اقتصادی بیان می­کند. به نظر آنان یک اقتصاد دوگانه که از بخش نوین سرمایه­داری و بخش سنتی معیشتی تشکیل شده است. کوتر در سال 1938 توسعه­ی کشاورزی را بخشی از یک توسعه­­ی روستایی جامع می­داند. مهم­ترین و اساسی­ترین مبحث در زمینه­ی ارتباط کشاورزی و روستا نقش و وظیفه­ی کشاورزی به عنوان فعالیت اقتصادی اصلی و عمده­ی روستایی است. کشاورزی از این رو همواره سهم اساسی در حیات روستایی داشته است. این وضعیت بخصوص در کشورهای جهان در حال توسعه از اهمیت و شفافیت بیشتری برخوردار است. اهمیت کشاورزی برای روستا موجب شده تا بسیاری از متخصصین توسعه، کشاورزی را به عنوان استراتژی و راهبرد اصلی توسعه­ی روستایی تلقی کنند (کوتسو، 2001: 16). در اروپا فرسایش اراضی، کاهش حاصلخیزی خاک، قرار گیری در معرض بازارهای جهانی، گرایش به سوی تولید محصول در مقیاس بزرگ، فشارهای اقتصادی در برخی سیستم‌های کشاورزی، نظام دامداری حاشیه‌ای و... تخلیه و ناپایداری جمعیت روستایی را به دنبال دارد (4 :2010 Tucker, & Keenleyside,). تحقیقات دیگری نیز این مفهوم استناد می­گردد که تخلیه جمعیتی باعث ترک اراضی کشاورزی سنتی، بروز زیان‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، تخریب و نابودی تنوع زیستی، جنگل، آتش سوزی و زوال کلی چشم انداز ۱۰۰۰ ساله شده است (673 :2008 ,Itziar & et al). مفاهیم و مبانی نظری توسعه بخش کشاورزی از خطیر ترین اهداف در نظام برنامه­ریزی به شمار می رود، که در صورت رکود آن، نه تنها کشاورزی بلکه بخش صنعت و دیگر بخش ها نیز دچار ضعف اساسی شده و در نهایت رشد اقتصادی متوقف می گردد (1992 ,Gillis et al). (به نقل از: نوری و همکاران، 1392: 67). بنابراین با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در توسعه ملی، ایجاد بسترهای لازم کشاورزی روستایی متناسب با دنیای امروز، دادن انواع تسهیلات بخش کشاورزی، حمایت های لازم و غیره می­تواند در جهت تثبیت جمعیت و توسعه خود این بخش و توسعه روستایی نقش به سزایی داشته باشد.

**جدول 1. شاخص­ها و گویه­های به کار رفته در پژوهش**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **تغییرات جمعیت شناختی** | **تغییرات روستایی** | **تغــییر در ساخــتار کشـاورزی** |
| 1. **زاد و ولــد**
2. **مـرگ و میر**
3. **طـلاق**
4. **مهاجرت**
* کمبود شغل
* کمبود امکانات تحصیلی
* کمبود امکانات بهداشتی
* تنش­های اجتماعی روستا
* کمبود امکانات زیربنایی
* کمبود امکانات تفریحی
* کمبود زمین کشاورزی
* کمبود آب کشاورزی
* نداشتن علاقه به کشاورزی
 | 1. **فرهنگی**
2. **اجتماعی**
3. **کالبـدی**
4. **اقتصـادی**
* کشاورزی
* صنعت
* خدمات
 | **1- تغییر سازمان تولید یا مدیریت تولید*** روستا
* مزرعه

**2- تغییر مالکیت*** مالکیت خصوصی (عمده مالکی)
* دهقانی
* فردی
* خرده مالکی

**3- شیوه­های تولید*** سنتی
* مدرن

**4- وضعیت اشتغال*** **کمی**: ترکیب جنس
* **کیفی**: سطح سواد، مهارت و دانش فنی
 | **5- تغییرات در اندازه زمین*** مساحت
* میزان زمین

**6- تغییر وضعیت تکنولوژی*** سنتی
* خانگی
* دستی
* پیشرفته

**7- تغییر درنوع محصولات*** خود مصرفی
* بازاری
* تجاری

**8- تغییر در شیوه­های تولید، مبادله*** پدیده سلف خری
 |

**مأخذ: (احمدی، 1389: 13).**

**پیشینه پژوهش**

عمده مطالعات و تحقیقاتی متعددی در در حوزه­ی جمعیت­شناسي و اقتصاد کشاورزی در ایران و جهان صورت گرفته است:

رمضانیان در سال1380 در تحقیقی تحت عنوان «سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران، دلایل و پیامدها» مهم­ترین عامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را مهاجرت دانسته است. از آنجا که اکثر مهاجران را جوانان جویای کار تشکیل می­دهند، در نتیجه نوعی عدم تعادل (از نظر ساختار سنی) بین جمعیت شاغل در مناطق شهری (قطب مشاغل صنعتی و و خدماتی) و مناطق روستایی (قطب مشاغل کشاورزی) پدید آمده است. این عدم تعادل به صورت سالخورده­تر شدن جمعیت کشاورز و جوان­تر شدن جمعیت شاغل در بخش­های صنعت و خدمات جلوه­گر می­شود.

صادقی و همایونی فر در سال1380 در مطالعه­ای تحت عنوان "نقش بخش کشاورزی در تأمین اشتغال و کاهش بیکاری" ضمن اشاره به کاهش سهم اشتغال بخش کشاورزی و بهبود بهره­وری آن با استفاده از مدل تقاضای تجربی نیروی کار نتیجه می­گیرند که کشش اشتغال نسبت به افزایش سطح زیر کشت در مقایسه با متغیرهای سرمایه­گذاری و ارزش افزوده از اهمیت بیشتری برخوردار است. عظیمی (1381) نشان داد که مهاجرت از روستا به شهر، ضمن آنکه ناگزیر است، پدیده­ای نامیمون نیست و بر خلاف تصور رایج با توسعه کشاورزی منافات ندارد بلکه، بر عکس به توسعه آن کمک می­کند. وی در اثر با ارزش خود با عنوان «مهاجرت از روستا به شهر نگاهی متفاوت» رابطه مهاجرت­ها با توسعه­ی کشاورزی، بهبود نحوه­ی معیشت مهاجران بعد از مهاجرت و پدیده­ی روستایی شده شهرها مورد بررسی قرار داد و نشان داد که فرآیند مهاجرتی بر خلاف تصور، پدیده­ای منفی نیست. کشاورز حداد در سال 1383 ارزیابی پتانسیل­های اشتغال­زایی بخش­های مختلف اقتصاد ایران را بررسی کرده است، نتایج حاصل از این تحقیق نشان می­دهد که بخش­های خدمات مذهبی و اجتماعی، زراعت، خدمات کسب و کار، سایر خدمات آموزشی و عمومی، بخش­های با پیوند پیشین کمتر از نظر هزینه لازم برای ایجاد هر فرصت شغلی تمام وقت، بیشترین افزایش تقاضای نهایی را نیاز دارند. پيراسته در سال 2003 نشان داد كه نرخ­هاي رشد سرمايه، نيروي كار و بهره­وري كل عوامل توليد تأثير معني­داري در نرخ رشد اقتصادي دارند. همچنين نتايج مربوط به محاسبه نرخ رشد بهره­وري كل عوامل توليد در بخش كشاورزي ايران نشان داد كه در طول زمان شكاف بين مناطق فقير و غني افزايش پيدا كرده است. تری در مطالعه خود نشان داد که کاهش مالیات بر نیروی کار می­تواند باعث کاهش مهاجرت از روستا به شهر شود (به نقل از: Terry, 2004: 12). خاكبازان و گري در سال 1993 مطالعه­اي را در زمينه­ی بهره­وري نيروي كار در بخش كشاورزي ايران با استفاده از تابع توليد ترانسلوگ انجام دادند و به اين نتيجه رسيدند كه طي 30 سال گذشته، بخش كشاورزي بخش جاذب نيروي كار نبوده و افزون بر آن بهره­وري نيروي كار منفي بوده است (دادرس مقدم، 1387: 1). دیدگاه بازراب - بازراب رشد جمعیت را موجب پیشرفت تکنولوژی و به ویژه فن­آوری­ها و نوآوری­ها در کشاورزی و عامل عمقی شدن کشت می­داند. وی معتقد است رشد جمعیت، تمرکز فضایی و تراکم جمعیت، موجب پیشرفت تکنولوژی و عامل مؤثر بر عمقی شدن کشت و افزایش تولیدات کشاورزی در واحد سطح است (به نقل از: ابراهیم پور، 1382: 92).

گوئتز و دبرتین به بررسی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان آمریکایی به مهاجرت پرداختند. نتایج حاصل نشان داد که اشتغال غیرکشاورزی تحت ثابت بودن سایر عوامل تأثیر معنی­داری بر خروج کشاورزان نداشته است. بررسی­های تکمیلی آن­ها بر روی تمایل به خروج افرادی که به فعالیت­های کشاورزی وارد شده بودند، نشان داد که ارتباط معنی­داری بین درآمد و اشتغال غیر کشاورزی و هم چنین سیاست­های دولت فدرال و خروج افراد از کشاورزی وجود ندارد (به نقل از: جهانی، 1385: 26).

ماتس و همکاران (2006) در مقاله­ای به بررسی آثار ساختاری تغییرات جمعیت روستا بر کشاورزی و اقتصاد منطقه­ای در بخش آناتولیکی مقدونیه و ثراکی کشور یونان پرداختند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که تغییر در اشتغال بخش کشاورزی و تولید مواد غذایی نه تنها بر بقای بخش کشاورزی، بلکه بر کل اقتصاد روستایی اثرگذار است. بنابراین، تغییرات جمعیت روستایی، تغییرات اشتغال در بخش کشاورزی و تولید مواد غذایی و عملکرد کل اقتصاد روستایی به شدت به هم وابسته هستند (Mattas, Tsakiri and Loizou, 2006: 10- 11). مؤدی (2006) ارتباط مهاجرت و رشد اقتصادی را در زلاندنو بررسی کرده است وی معتقد است که مهاجرت می­تواند در مناطقی که با مشکل عدم تعادل در بازار نیروی کار مواجه هستند از این لحاظ خوب و مفید باشد و در راستای رشد اقتصادی انجام گیرد. (Johnson 1999; Shumway and Otterstrom 2001, Hunter et al 2005). هوانگ و همکاران در سال 2002 به مطالعه رشد جمعیت روستایی و نقش سرمایه انسانی و ساختار صنعتی و سیاست­های دولتی طی دوره­ی 1990- 1950 در آمریکا پرداختند نتایج آن­ها نشان داد که سرمایه انسانی سبب افزایش درآمدهای روستایی می­شود با وجود نرخ رشد باروری جمعیت در نواحی روستایی جمعیت بخش کشاورزی سریع‌تر رشد می­یابد و در نتیجه جهت سرمایه انسانی به سمت نواحی شهری بیشتر می­شود. بنابراین درآمدهای زیاد کشاورزان می­تواند منجر به کند شدن رشد جمعیت غیرکشاورزی می­شود.

رمضانیان (1380) در مطالعة «سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران، دلایل و پیامدها» مهم‌ترین عامل مؤثر بر سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را مهاجرت دانست. قاسمی سیانی (1383) موضوع مهاجرت روستا به شهر را در 12 روستای دهستان جبل واقع در استان اصفهان بررسی کرد و به این نتیجه رسید که مهاجرت جوانان روستاهای مذکور و جذب آن‌ها در بخش صنعتی اصفهان، سبب نابودی کشاورزی، دامداری و باغداری در منطقه شده است؛ به‌طوری‌که بسیاری از زمین‌های کشاورزی، بر اثر رهاشدن و کشت­نشدن به زمین بایر تبدیل شده­اند. بلالی و خلیلیان (1382) تأثیر سرمایه‌گذاری بر اشتغال‌زایی و تقاضای نیروی کار بر کشاورزی ایران را براساس رهیافت تقاضای نیروی کار بررسی کردند. بر اساس نتایج، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی با اشتغال رابطۀ مثبت و دستمزد با اشتغال کشاورزی رابطۀ معکوس دارد. ماتس و دیگران (2006) به بررسی آثار ساختاری تغییرات جمعیت روستا بر کشاورزی و اقتصاد منطقه‌ای در بخش آناتولیکی مقدونیه و ثراکی یونان پرداختند. نتایج نشان داد که تغییر در اشتغال بخش کشاورزی و تولید مواد غذایی، نه‌تنها بر بقای بخش کشاورزی، بلکه بر کل اقتصاد روستایی اثرگذار است؛ بنابراین، تغییرات جمعیت روستایی، تغییرات اشتغال در بخش کشاورزی و تولید مواد غذایی و عملکرد کل اقتصاد روستایی به‌شدت به هم وابسته­اند (Mattas, Tsakiri and Loizou, 2006: 10- 11).

**شاخص­ها و گویه­های به کار رفته در مــدل مفهومــی پژوهش**

**تغییرات جمعیت شناختی**

**تغییرات عمده در مناطق روستایی**

زاد و ولد

مرگ و میر

طلاق

مهاجرت

اقتصادی

فرهنگی

اجتماعی

کالبدی

**مــولفــه­های تغــییر در ساخــتار کشـاورزی**

تغییر سازمان تولید

تغییر

مالکیت

تغییر شیوه­های تولید

تغییر وضعیت اشتغال

تغییر اندازه زمین

تغییر وضعیت تکنولوژی

تغییر در نوع محصولات

تغییر در تولید، مبادله و بازاریابی

**شکل 1. چهارچوب مــدل مفهومــی پژوهش (احمدی، 1389: 13).**

**روش شناسی تحقیق**

**معرفی محدوده مورد مطالعه**

شهرستان سردشت، دارای موقعیت 45 درجه و 32 دقیقۀ طول شرقی از نصف‌النهار گرینویج و 36 درجه و 9 دقیقه و 15 ثانیۀ شمالی از عرض جغرافیایی است. این شهرستان، با وسعت بیش از 1411 کیلومتر، در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع شده است. ارتفاع شهرستان سردشت از سطح دریا ۱۷۸۹ متر است و 96 کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد. براساس سرشماری سال 1395، این شهرستان دارای 849/118 نفر جمعیت است. از این تعداد، 35/57 درصد (162/68 هزار نفر) در شهر و 65/42 درصد (687/50 هزار نفر) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. این شهرستان، از دو بخش: مرکزی، شامل 4 دهستان و بخش وزینه، شامل 2 دهستان تشکیل شده است. شهرستان سردشت در مجموع 268 روستای دارای سکنه و غیرمسکونی دارد که حدود آن از شمال به بخش وزینه در شهرستان سردشت، از جنوب به استان کردستان، از شرق به شهرستان­های مهاباد و بوکان و از طرف غرب به کشور عراق محدود می­شود (احمدی و توکلی، 1395: 158).

**جدول 2. مشخصات کلی روستاهای مورد مطالعه شهرستان سردشت**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **نام آبادی** | **دهستان** | **1385** | **1390** | **1395** |
| **تعداد خانوار** | **تعداد جمعیت** | **تعداد خانوار** | **تعداد جمعیت** | **تعداد خانوار** | **تعداد جمعیت** |
| 1 | بژوه (اسلام آباد)[[2]](#footnote-2) | آلان | 176 | 942 | 262 | 989 | 302 | 1056 |
| 2 | بیطوش2 | آلان | 179 | 817 | 235 | 928 | 276 | 934 |
| 3 | بانو3 | بریاجی | 24 | 109 | 27 | 89 | 35 | 143 |
| 4 | باغی4 | باسک کوله­سه | 52 | 306 | 61 | 300 | 83 | 300 |
| 5 | بیوران علیا5 | بریاجی | 119 | 517 | 149 | 585 | 163 | 560 |
| 6 | بناویله کوچک6 | باسک کوله­سه | 67 | 360 | 64 | 290 | 65 | 258 |
| 7 | بناویله بزرگ7 | باسک کوله­سه | 40 | 214 | 37 | 149 | 27 | 124 |
| 8 | بریسو8 | باسک کوله­سه | 61 | 367 | 84 | 372 | 55 | 194 |
| 9 | بانه زیر9 | باسک کوله­سه | 48 | 291 | 48 | 199 | 51 | 205 |
| 10 | خره آغل10 | بریاجی | 6 | 23 | 9 | 31 | 5 | 17 |
| 11 | دارساوین11 | باسک کوله­سه | 33 | 149 | 30 | 83 | 16 | 64 |
| 12 | دوله گرم12 | بریاجی | 89 | 392 | 90 | 382 | 100 | 355 |
| 13 | ژاژوکه13 | بریاجی | 28 | 159 | 24 | 114 | 17 | 70 |
| 14 | زوران14 | بریاجی | 105 | 595 | 158 | 666 | 179 | 723 |
| 15 | زره مرگ15 | باسک کوله­سه | 20 | 99 | 9 | 34 | 0 | 0 |
| 16 | شلماش16 | باسک کوله­سه | 79 | 457 | 90 | 360 | 57 | 201 |
| 17 | بالان17 | گورک | 29 | 158 | 31 | 124 | 6 | 28 |
| 18 | سنجوه18 | آلان | 90 | 448 | 123 | 410 | 135 | 403 |
| 19 | قازان19 | بریاجی | 11 | 33 | 7 | 28 | 9 | 26 |
| 20 | قلته20 | باسک کوله­سه | 51 | 271 | 28 | 126 | 29 | 123 |
| 21 | کوله سه علیا21 | باسک کوله­سه | 86 | 500 | 90 | 402 | 104 | 403 |
| 22 | کوله سه سفلی22 | باسک کوله­سه | 123 | 730 | 157 | 754 | 153 | 714 |
| 23 | قوله سویر23 | بریاجی | 14 | 64 | 9 | 32 | 5 | 16 |
| 24 | گولان پایین24 | بریاجی | 23 | 98 | 22 | 105 | 27 | 103 |
| 25 | گلینه بزرگ25 | بریاجی | 14 | 68 | 38 | 128 | 52 | 166 |
| 26 | گرویس26 | آلان | 31 | 158 | 32 | 242 | 14 | 62 |
| 27 | مراغان27 | بریاجی | 78 | 384 | 137 | 541 | 151 | 602 |
| 28 | ملاشیخ28 | بریاجی | 46 | 255 | 59 | 252 | 56 | 219 |
| 29 | نیسکاوه29 | باسک کوله­سه | 48 | 261 | 23 | 106 | 16 | 68 |
| 30 | هند آباد30 | گورک | 68 | 428 | 82 | 362 | 64 | 323 |
| 31 | وتمان آباد31 | گورک | 24 | 135 | 23 | 97 | 4 | 17 |
| 32 | ورده32 | بریاجی | 104 | 587 | 142 | 701 | 151 | 651 |

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری سال­های 1395 و 1385- 1365.



شکل 2. نقشه شماتیک استان آذربایجان غربی، شهرستان سردشت و روستاهای نمونه منبع: نگارنده، 1396

**روش تحقیق**

اين تحقیق به لحاظ هدف پژوهشی – کاربردی و با روش بررسی میدانی و پیمایشی می­باشد. برای جمع­آوری اطلاعات از دو روش بررسی مطالعات میدانی، با استفاده از روش پیمایشی (پرسشنامه) در روستاهای نمونه و آمارها و اطلاعات از نتايج سرشماري عمومي سال­های 1395 و 1385 – 1365 استفاده شده است. جامعه آماري تحقيق، روستاهايي مي­باشند که انواع نظام‌های بهره­برداري کشاورزي در آن­ها وجود داشته است و شامل 169 روستا از روستاهای بخش مرکزی شهرستان سردشت است. حجم نمونه، به دلیل گستردگی منطقه و تعداد زیاد خانوارها، به روش خوشه‌ای مکانی و تصادفی طبق روش کوکران، 32 روستا انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای در چند بخش شامل ویژگی‌های فردی، اجتماعی و به­ویژه اقتصادی تنظیم شد. برای پایایی پرسشنامه، 90 پرسشنامه به دست روستاییان تکمیل شد و ضریب پایایی آن به روش آلفای کرونباخ (82%= α) به دست آمد که از بعد آماری قابل‌قبول و برای تحقیق حاضر مناسب است. سرانجام با اطمینان از پایایی و اعتبار محتوایی، پرسشنامه تکمیل شد. در نهایت، اطلاعات جمع‌آوری‌شده با از نرم افزار SPSS/for Win 19.0 تجزیه و تحلیل شدند. در تحلیل داده‌ها، برای دستیابی به آزمون فرضیه، از آماره‌های توصیفی و استنباطی ضریب همبستگی و ضریب رگرسیون خطی چند متغیره و همچنین از T تک نمونه­ای استفاده گردید. متغیرهای اصلی پژوهش در بخش تغییرات جمعیتی مهاجرت، به‌عنوان متغیر مستقل و نهاده‌ها و ساختارهای کشاورزی به‌عنوان متغیر وابسته مطالعه و آزمون شدند. براي شاخص­سازي و انتخاب شاخص­ها، نخست حدود 23 متغير از دو مقوله نظام­هاي کشاورزي و توسعه روستايي فهرست شدند ولي با بررسي بيشتر و تلفيق شاخص­هاي مشابه، در نهايت 8 شاخص براي نظام­هاي کشاورزي و توسعه روستايي به شرحي که در شکل شماره 1 آمده است، در تجزيه و تحليل­هاي آماري تعيين گرديدند.

**یافته­ها**

جدول شماره 3، مشخصات روستاهای مورد مطالعه در بخش مرکزی شهرستان سردشت را نشان می­دهد.

**جدول 3. مشخصات پاسخگویان در روستاهای مورد مطالعه­**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **روستاها**  | **جنس** | **گروه­های سنی** | **توزیع سواد** |
| **مرد** | **زن** | **35- 16** | **55- 36** | **55 +** | **بیسواد** | **دبستان** | **راهنمایی** | **نامشخص** |
| بژوه  | 88/0 | 12/0 | 59/0 | 24/0 | 17/0 | 37/0 | 26/0 | 16/0 | 21/0 |
| بیطوش  | 89/0 | 11/0 | 66/0 | 22/0 | 12/0 | 51/0 | 31/0 | 13/0 | 05/0 |
| بانو | 66/0 | 34/0 | 53/0 | 25/0 | 22/0 | 35/0 | 25/0 | 15/0 | 25/0 |
| باغی | 89/0 | 11/0 | 41/0 | 22/0 | 37/0 | 43/0 | 30/0 | 18/0 | 09/0 |
| بیوران علیا | 83/0 | 17/0 | 59/0 | 34/0 | 07/0 | 48/0 | 35/0 | 12/0 | 05/0 |
| بناویله کوچک | 92/0 | 08/0 | 48/0 | 16/0 | 36/0 | 49/0 | 28/0 | 18/0 | 05/0 |
| بناویله بزرگ | 89/0 | 11/0 | 66/0 | 22/0 | 12/0 | 43/0 | 30/0 | 18/0 | 09/0 |
| بریسو | 88/0 | 12/0 | 72/0 | 24/0 | 04/0 | 51/0 | 24/0 | 14/0 | 10/0 |
| بانه زیر | 89/0 | 11/0 | 66/0 | 22/0 | 12/0 | 42/0 | 29/0 | 18/0 | 11/0 |
| خره آغل | 94/0 | 06/0 | 36/0 | 12/0 | 52/0 | 57/0 | 21/0 | 22/0 | 0 |
| دارساوین | 83/0 | 17/0 | 55/0 | 34/0 | 11/0 | 41/0 | 29/0 | 17/0 | 13/0 |
| دوله گرم | 95/0 | 05/0 | 3/0 | 1/0 | 6/0 | 37/0 | 26/0 | 15/0 | 22/0 |
| ژاژوکه | 66/0 | 34/0 | 61/0 | 31/0 | 08/0 | 44/0 | 31/0 | 18/0 | 07/0 |
| زوران | 91/0 | 09/0 | 54/0 | 18/0 | 28/0 | 45/0 | 31/0 | 19/0 | 05/0 |
| زره مرگ | 87/0 | 13/0 | 61/0 | 26/0 | 13/0 | 45/0 | 31/0 | 19/0 | 05/0 |
| شلماش | 82/0 | 18/0 | 49/0 | 36/0 | 15/0 | 24/0 | 17/0 | 10/0 | 49/0 |
| بالان | 83/0 | 17/0 | 56/0 | 34/0 | 1/0 | 42/0 | 29/0 | 18/0 | 11/0 |
| سنجوه | 87/0 | 13/0 | 51/0 | 26/0 | 23/0 | 37/0 | 26/0 | 15/0 | 22/0 |
| قازان | 98/0 | 02/0 | 12/0 | 04/0 | 84/0 | 51/0 | 22/0 | 14/0 | 13/0 |
| قلته | 69/0 | 31/0 | 52/0 | 41/0 | 07/0 | 38/0 | 27/0 | 16/0 | 19/0 |
| کوله سه علیا | 88/0 | 12/0 | 72/0 | 24/0 | 04/0 | 39/0 | 27/0 | 16/0 | 17/0 |
| کوله سه سفلی | 86/0 | 14/0 | 61/0 | 28/0 | 11/0 | 49/0 | 24/0 | 14/0 | 13/0 |
| قوله سویر | 96/0 | 04/0 | 24/0 | 08/0 | 68/0 | 53/0 | 3/0 | 12/0 | 05/0 |
| گولان پایین | 85/0 | 15/0 | 76/0 | 21/0 | 03/0 | 51/0 | 28/0 | 17/0 | 04/0 |
| گلینه بزرگ | 79/0 | 21/0 | 26/0 | 42/0 | 32/0 | 48/0 | 29/0 | 17/0 | 06/0 |
| گرویس | 74/0 | 26/0 | 56/0 | 43/0 | 01/0 | 51/0 | 32/0 | 16/0 | 01/0 |
| مراغان | 98/0 | 02/0 | 12/0 | 04/0 | 84/0 | 44/0 | 31/0 | 18/0 | 07/0 |
| ملاشیخ | 89/0 | 11/0 | 66/0 | 22/0 | 12/0 | 54/0 | 24/0 | 14/0 | 08/0 |
| نیسکاوه  | 9/0 | 1/0 | 6/0 | 2/0 | 2/0 | 46/0 | 32/0 | 19/0 | 02/0 |
| هند آباد  | 95/0 | 05/0 | 3/0 | 1/0 | 6/0 | 52/0 | 34/0 | 11/0 | 03/0 |
| وتمان آباد | 96/0 | 04/0 | 24/0 | 08/0 | 68/0 | 55/0 | 24/0 | 14/0 | 07/0 |
| ورده | 97/0 | 03/0 | 18/0 | 06/0 | 76/0 | 49/0 | 23/0 | 14/0 | 14/0 |
| میانگین  | 87/0 | 13/0 | 49/0 | 26/0 | 28/0 | 45/0 | 28/0 | 16/0 | 11/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش و مرکز آمار ایران، سرشماری سال­های 1395 و 1385- 1365.

با توجه به نتایج پرسشنامه­های توزیع شده در روستاهای نمونه، بیش از 87 درصد از پاسخگویان مرد و 13 درصد زن بوده­اند. از نظر سنی 49 درصد در گروه سنی 35-16 سال و 26 درصد در گروه سنی 55-36 سال و 28 درصد در گروه سنی 55 سال به بالا قرار گرفته­اند. همچنین در مورد میزان سواد پاسخگویان نتایج حاکی از آن است که 45 درصد بیسواد، 28 درصد دبستان، 16 درصد راهنمایی و 11 درصد پاسخ نداده­اند. بدین ترتیب از نظر سواد 55 درصد باسواد بوده­اند (جدول 3).

**جدول 4. میزان مهاجرت روستاهای مورد مطالعه در بخش مرکزی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **نام آبادی** | **جمعیت نمونه** | **تعداد مهاجران** | **میزان مهاجرت** | **رتبه مهاجرت** |
| 1 | بژوه | 5/1061 | 239 | \*2/225 | 16 |
| 2 | بیطوش | 844 | 54 | \*1/64 | 20 |
| 3 | بانو | 5/123 | 29 | \*8/234 | 15 |
| 4 | باغی | 5/243 | 125- | \*\*3/513- | مهاجرپذیر |
| 5 | بیوران علیا | 592 | 150 | \*/253 | 14 |
| 6 | بناویله کوچک | 5/363 | 7 | \*3/19 | 23 |
| 7 | بناویله بزرگ | 295 | 162 | \*1/549 | 8 |
| 8 | بریسو | 5/343 | 47- | \*\*8/136- | مهاجرپذیر |
| 9 | بانه زیر | 5/353 | 125 | \*6/353 | 11 |
| 10 | خره آغل | 49 | 52 | \*2/1061 | 1 |
| 11 | دارساوین | 206 | 114 | \*4/553 | 7 |
| 12 | دوله گرم | 5/406 | 29 | \*3/71 | 19 |
| 13 | ژاژوکه | 5/161 | 5 | \*9/30 | 22 |
| 14 | زوران | 536 | 118- | \*\*1/220- | مهاجرپذیر |
| 15 | زره مرگ | 171 | 144 | \*1/842 | 3 |
| 16 | شلماش | 534 | 154 | \*/288 | 13 |
| 17 | بالان | 5/156 | 3- | \*\*2/19- | مهاجرپذیر |
| 18 | سنجوه | 456 | 16 | \*1/35 | 21 |
| 19 | قازان | 5/65 | 65 | \*4/992 | 2 |
| 20 | قلته | 392 | 242 | \*3/617 | 6 |
| 21 | کوله سه علیا | 5/528 | 57 | \*8/107 | 18 |
| 22 | کوله سه سفلی | 5/634 | 191- | \*\*0/301- | مهاجرپذیر |
| 23 | قوله سویر | 5/96 | 65 | \*/673 | 4 |
| 24 | گولان پایین | 5/97 | 1- | \*\*2/10- | مهاجرپذیر |
| 25 | گلینه بزرگ | 102 | 68 | \*7/666 | 5 |
| 26 | گرویس | 212 | 108 | \*4/509 | 9 |
| 27 | مراغان | 5/321 | 125- | \*\*8/388- | مهاجرپذیر |
| 28 | ملاشیخ | 5/332 | 155 | \*2/466 | 10 |
| 29 | نیسکاوه | 5/178 | 165- | \*\*4/924- | مهاجرپذیر |
| 30 | هند آباد | 5/459 | 63 | \*1/137 | 17 |
| 31 | وتمان آباد | 5/162 | 55 | \*5/338 | 12 |
| 32 | ورده | 481 | 212- | \*\*7/440- | مهاجرپذیر |

- علامت \* نشانه مهاجرفرست بودن و علامت \*\* نشان از مهاجر پذیر بودن منطقه دارد.

مأخذ: یافته­های پژوهش و مرکز آمار ایران، سرشماری سال­های 1395 و 1385- 1365.

64/22 درصد پاسخگویان تأثیر شغل بر مهاجرت روستاییان را انتخاب کرده­اند. 57/15 درصد تأثیر کمبود امکانات تحصیل بر مهاجرت در روستاها انتخاب کرده­اند. تأثیر کمبود امکانات بهداشتی در روستاها بر مهاجرت روستاییان 51/11درصد، در ارتباط با تأثیر تنش­های اجتماعی بر مهاجرت روستاییان به شهرها 1 درصد، در ارتباط با تأثیر کمبود امکانات زیربنایی در روستاها بر مهاجرت روستاییان 11/9 درصد، کمبود امکانات تفریحی و تأثیر آن بر مهاجرت 64/7 درصد و همچنین کمبود زمین در روستاها و تأثیر آن بر مهاجرت روستاییان 89/9 درصد به تأثیر این گزینه جواب داده­اند (جدول شماره 5).

**جدول 5. عوامل مؤثر در مهاجرت روستاییان از نظر پاسخگویان**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **عوامل**روستا | **کمبود شغل** | **کمبود امکانات تحصیلی** | **کمبود امکانات بهداشتی** | **تنش­های اجتماعی روستا** | **کمبود امکانات زیربنایی** | **کمبود امکانات تفریحی** | **کمبود زمین کشاورزی** | **کمبود آب کشاورزی** | **نداشتن علاقه به کشاورزی** | **سایر** |
| بژوه | 6/18 | 4/15 | 1/7 | 1/0 | 2/11 | 2/3 | 3/16 | 4/13 | 3/11 | 4/3 |
| بیطوش | 5/19 | 2/15 | 3/21 | 5/0 | 3/12 | 3/2 | 6/12 | 6/15 | 4/0 | 3/0 |
| بانو | 4/21 | 3/21 | 3/15 | 6/0 | 7/5 | 3/3 | 9/15 | 8/5 | 6/8 | 1/2 |
| باغی | 9/25 | 1/18 | 7/4 | 9/1 | 3/12 | 4/6 | 9/10 | 4/10 | 2/8 | 2/1 |
| بیوران علیا | 6/25 | 9/13 | 6/8 | 2/1 | 3/1 | 3/0 | 3/19 | 3/18 | 6/6 | 9/4 |
| بناویله کوچک | 1/33 | 4/12 | 1/7 | 2/0 | 3/10 | 2/3 | 1/11 | 8/7 | 6/12 | 2/2 |
| بناویله بزرگ | 6/19 | 8/12 | 3/8 | 3/0 | 2/13 | 3/15 | 1/11 | 2/16 | 6/1 | 6/1 |
| بریسو | 6/21 | 1/17 | 7/15 | 3/1 | 6/8 | 1/9 | 1/5 | 6/9 | 3/9 | 6/2 |
| بانه زیر | 6/17 | 9/12 | 6/2 | 5/0 | 9/16 | 3/18 | 9/12 | 1/11 | 6/2 | 6/4 |
| خره آغل | 8/23 | 2/14 | 2/16 | 3/0 | 3/14 | 9/1 | 3/12 | 6/9 | 3/2 | 1/5 |
| دارساوین | 8/19 | 3/16 | 6/9 | 9/2 | 6/8 | 2/9 | 6/9 | 2/13 | 6/3 | 2/7 |
| دوله گرم | 9/26 | 6/20 | 15 | 4/0 | 6/8 | 6/6 | 3/9 | 6/9 | 9/1 | 1/1 |
| ژاژوکه | 6/23 | 6/15 | 6/4 | 7/0 | 3/15 | 1/12 | 9/7 | 3/9 | 1/8 | 8/2 |
| زوران | 3/28 | 6/14 | 6/7 | 3/0 | 5/9 | 6/8 | 2/7 | 5/8 | 3/12 | 1/3 |
| زره مرگ | 6/23 | 9/14 | 6/15 | 3/0 | 2/14 | 2/11 | 2/8 | 1/6 | 3/5 | 6/0 |
| شلماش | 9/15 | 1/14 | 6/12 | 0 | 7/5 | 6/7 | 2/17 | 6/14 | 7/11 | 6/0 |
| بالان | 8/28 | 4/16 | 2/15 | 0 | 9/7 | 3/2 | 5/3 | 2/11 | 9/13 | 8/0 |
| سنجوه | 6/19 | 1/15 | 3/1 | 8/1 | 4/12 | 8/9 | 3/14 | 3/12 | 2/11 | 2/2 |
| قازان | 9/21 | 3/18 | 3/18 | 2/0 | 6/8 | 6/8 | 5/8 | 2/9 | 3/4 | 1/2 |
| قلته | 8/22 | 9/15 | 6/15 | 3/1 | 1/12 | 9/11 | 3/1 | 8/11 | 6/4 | 7/2 |
| کوله سه علیا | 2/18 | 5/26 | 2/10 | 3/0 | 5/6 | 6/2 | 6/4 | 4/12 | 1/17 | 6/1 |
| کوله سه سفلی | 7/23 | 2/15 | 2/11 | 0 | 5/3 | 8/2 | 5/9 | 6/8 | 3/12 | 2/13 |
| قوله سویر | 4/25 | 3/15 | 6/15 | 5/6 | 9/6 | 9/6 | 6/4 | 2/8 | 2/8 | 4/2 |
| گولان پایین | 9/16 | 9/6 | 3/8 | 1/4 | 2/9 | 6/14 | 3/12 | 2/8 | 2/11 | 3/8 |
| گلینه بزرگ | 2/31 | 2/8 | 3/10 | 0 | 5/6 | 3/4 | 6/9 | 4/13 | 2/15 | 3/1 |
| گرویس | 9/14 | 2/15 | 7/15 | 3/1 | 1/6 | 5/10 | 8/9 | 16 | 1/8 | 4/2 |
| مراغان | 3/21 | 3/14 | 4/15 | 0 | 5/8 | 1/9 | 2/4 | 1/12 | 1/10 | 5 |
| ملاشیخ | 8/19 | 6/24 | 6/14 | 0 | 1/21 | 1/5 | 6/5 | 3/9 | 6/7 | 3/1 |
| نیسکاوه | 6/21 | 1/13 | 2/15 | 2/0 | 2/9 | 6/12 | 2/11 | 6/8 | 3/7 | 1 |
| هند آباد | 7/26 | 2/14 | 6/12 | 2/0 | 1/7 | 2/8 | 5/13 | 2/7 | 3/9 | 1 |
| وتمان آباد | 4/25 | 3/14 | 3/8 | 0 | 2/5 | 1/8 | 3/6 | 2/12 | 1/16 | 1/4 |
| ورده | 6/21 | 4/15 | 5/8 | 6/0 | 7/5 | 6/8 | 5/8 | 6/11 | 4/14 | 1/5 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

از نظر پاسخگویان تأثیر کمبود آب در ارتباط با مهاجرت روستاییان 98/10 درصد بوده، همچنین در ارتباط با این پرسش که شدت علاقه به شغل کشاورزی چقدر در مهاجرت مؤثر بوده است، 66/8 درصد به آن جواب داده­اند. همچنین از بین پاسخگویان 06/3 درصد گزینه سایر عوامل مرتبط با مهاجرت را پاسخ داده­اند. اکثر تسهیلات رفاهی در روستا در سال­های اخیر ایجاد شده، در حالی که مهاجرت از روستا از مدت­ها قبل از ایجاد این تأسیسات در روستاها شروع شده است و در این فاصله روستاییان از نابرابری عمیق شرایط اجتماعی در شهر و روستا آگاه شده­اند. بنابراین اولاً تأسیسات محدود ایجاد شده پاسخگوی فاصله شدید بین امکانات موجود در شهر و روستا نیست و چندان در پر کردن شکاف میان امکانات موجود در روستا تأثیر ندارد. ثانیاً چون این تأسیسات اخیراً در روستا ایجاد شده­اند، لذا نمی­توان به سرعت نتایج آن بر مهاجرت را ارزیابی کرد زیرا روند مهاجرت از روستا، قبل از ایجاد این تأسیسات شروع شده است.



**شکل 3. آمارهای حیاتی در روستاهای مورد مطالعه شهرستان سردشت. مأخذ: آمارهای روستاهای شهرستان سردشت**

با توجه به شکل 3، تغییرات موالید در روستاهای مورد مطالعه بخش مرکزی از 48/15 نفر در سال 1355 به 27/8 نفر در سال 1385 کاهش یافته است. میانگین کل میزان موالید در این روستاها 22/10 نفر در هزار می­باشد که این رقم نشان دهنده­ی کاهش میزان موالید در روستاهای مورد مطالعه می­باشد. با توجه به شکل 3، میزان مرگ و میر از دهه­های گذشته به این سوی همواره رو به کاهش بوده است. به این معنی که میزان مرگ و میر به 65/9 نفر در هزار در سال 1375- 1365، در سال 1385- 1375 به 85/6 در هزار برآورد شده است. ضریب تغییرات در این روستاها برابر با 24/0 درصد می­باشد که نشان از پراکندگی کم بین سال­های مختلف از لحاظ مرگ و میر می­باشد و با توجه به موارد بالا در بخش موالید، بیانگر میزان تعادل در بین مرگ و میر و زاد و ولد می­باشد. همانطور که از شکل 3 مشاهده می­شود مهاجرت در ابتدای دوره­ی مورد مطالعه دارای رشد ملایمی است اما بعد از آن افزایش و پس از آن در سال­های بعد از 1380 هـ . ش به دلیل کاهش نابرابری­های شهری و روستایی و ایجاد امکانات در روستاها در چند سال گذشته روند نزولی را به خود گرفته است. از سوی دیگر با پایان گرفتن جنگ و بمباران شیمیایی در سال 1368- 1366 در شهرستان سردشت و شروع دوران بازسازی مهاجرت روستاییان به شهرها به یکباره با نرخ رشدی فزاینده در سال­های بعد از آن افزایش یافته است که تا اواسط دهه­ی 1380 ادامه داشته است. پس از آن به مرور از تعداد مهاجران کاسته شد. اما در مجموع تعداد مهاجران روستایی مورد مطالعه که هر ساله وارد نقاط شهری و دیگر مناطق می­شوند هنوز بالا می­باشد. میانگین کل مهاجرت در روستاهای این بخش در سال 1375- 1365 برابر با 66/9 نفر و در سال­های 1385- 1375 برابر با 80/10 نفر می­باشد، که این عامل با ضریب تغییرپذیری 33/0 درصد بیشترین تغییرات را در بین علل و عوامل تغییرات و تحولات جمعیتی ایجاد کرده است. در این روش مقدار افزایش جمعیت متناسب با میزان جمعیت موجود است. به طوری که نسبت بین افزایش جمعیت و جمعیت کل ثابت است. با استفاده از مدل رشد نمایی، نرخ رشد جمعیت در دوره مورد بررسی با توجه به آمارهای جمعیتی مرکز آمار ایران در روستاهای مورد مطالعه به دست آمده و همچنین جمعیت آن‌ها در 5 و 10 سال آینده پیش بینی شده است (جدول شماره 6).

**جدول 6. نتایج حاصـل از مـدل رشـد نمایـی در روستاهای مـورد مطالعه**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام آبادی** | **1385** | **1390** | **1395** | **نرخ رشد سالانه جمعیت 1385 به 1395** | **پیش بینی جمعیت تا سال 1400** | **پیش بینی جمعیت تا سال 1405** |
| **تعداد جمعیت** | **تعداد جمعیت** | **تعداد جمعیت** |
| بژوه | 942 | 989 | 1056 | 01/0 | 1183 | 1326 |
| بیطوش | 817 | 928 | 934 | 00/0 | 998 | 1068 |
| بانو | 109 | 89 | 143 | 05/0 | 187 | 246 |
| باغی | 306 | 300 | 300 | 00/0 | 312 | 318 |
| بیوران علیا | 517 | 585 | 560 | 00/0 | 582 | 606 |
| بناویله کوچک | 360 | 290 | 258 | 01/0- | 184 | 132 |
| بناویله بزرگ | 214 | 149 | 124 | 02/0- | 94 | 71 |
| بریسو | 367 | 372 | 194 | 06/0- | 102 | 54 |
| بانه زیر | 291 | 199 | 205 | 00/0 | 208 | 211 |
| خره آغل | 23 | 31 | 17 | 06/0- | 12 | 9 |
| دارساوین | 149 | 83 | 64 | 03/0- | 27 | 11 |
| دوله گرم | 392 | 382 | 355 | 01/0- | 321 | 291 |
| ژاژوکه | 159 | 114 | 70 | 05/0- | 30 | 13 |
| زوران | 595 | 666 | 723 | 01/0 | 797 | 878 |
| زره مرگ | 99 | 34 | 0 | 00/1- | 0 | 0 |
| شلماش | 457 | 360 | 201 | 06/0- | 88 | 38 |
| بالان | 158 | 124 | 28 | 14/0- | 4 | 0 |
| سنجوه | 448 | 410 | 403 | 00/0 | 362 | 326 |
| قازان | 33 | 28 | 26 | 01/0- | 20 | 16 |
| قلته | 271 | 126 | 123 | 00/0 | 55 | 25 |
| کوله سه علیا | 500 | 402 | 403 | 00/0 | 324 | 261 |
| کوله سه سفلی | 730 | 754 | 714 | 01/0- | 698 | 683 |
| قوله سویر | 64 | 32 | 16 | 07/0- | 4 | 1 |
| گولان پایین | 98 | 105 | 103 | 00/0 | 102 | 101 |
| گلینه بزرگ | 68 | 128 | 166 | 03/0 | 405 | 989 |
| گرویس | 158 | 242 | 62 | 13/0- | 24 | 9 |
| مراغان | 384 | 541 | 602 | 01/0 | 943 | 1479 |
| ملاشیخ | 255 | 252 | 219 | 01/0- | 188 | 161 |
| نیسکاوه | 261 | 106 | 68 | 04/0- | 17 | 4 |
| هند آباد | 428 | 362 | 323 | 01/0- | 243 | 184 |
| وتمان آباد | 135 | 97 | 17 | 16/0- | 2 | 0 |
| ورده | 587 | 701 | 651 | 01/0- | 721 | 800 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

با توجه به پیش­بینی که در این روستاها به عمل آمده، نشان دهنده این واقعیت است که در بیشتر این روستاها، جمعیت آن‌ها تا 10 سال آینده به صورت نزولی در حال کاهش می­باشد. با توجه مدل مطرح شده و بحث و نتایج آن در جدول شماره 5 نرخ رشد در دوره­های مورد مطالعه با 97/0- به دست آمده که نشان از رشد منفی و مهاجرت جامعه روستایی به خارج از روستای خود هستند. همچنین طبق پیش­بینی که در این مدل به دست آمده جمعیت بعضی از روستاها در سال 1390 کاهش و دوباره در سال 1395 افزایش را نشان داده است که میانگین جمعیت آن‌ها به ترتیب به 17/294 و 47/322 نفر رسیده است. روند تغییر مالکیت در روستاهای مورد مطالعه با توجه به مهاجرت­های روستایی در این آبادی­ها منجر به تغییراتی در روستاها شده که در جدول شماره 7 به آن اشاره می­شود.

**جدول 7. مؤلفه­های تغییر در ساختار مالکیت در بخش کشاورزی در کل روستاهای موورد مطالعه**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **توضیحات** | **1375- 1365** | **1385- 1375** |
| **خانوادگی** | **دهقانی** | **فردی** | **خرده مالکی** | **خانوادگی** | **دهقانی** | **فردی** | **خرده مالکی** |
| میانگین | 74/54 | 99/9 | 79/7 | 67/7 | 79/67 | 22/11 | 23/9 | 74/11 |
| انحراف معیار | 6/30 | 47/3 | 81/3 | 55/2 | 76/6 | 43/3 | 56/4 | 13/4 |
| ضریب تغییرات | 08/0 | 35/0 | 49/0 | 33/0 | 09/0 | 30/0 | 49/0 | 35/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

تغییر مالکیت در روستاهای مورد مطالعه به مالکیت خانوادگی، دهقانی، فردی و خرده­مالکی تقسیم شده است که در این بین میزان مالکیت خانوادگی یا خصوصی بیشترین تعداد از مالکیت را دارا بوده است. میانگین کل در این نوع از ساختار کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه 54/74 درصد در تعداد کل مالکیت می­باشد. با توجه به داده­های در دسترس و میانگین محاسبه شده برای این نوع مؤلفه، مشاهده می­شود که در طول دوره­ی مورد مطالعه تغییرات چندانی در آن صورت نگرفته است و همچنان زمین­های مزروعی کشاورزی در دست صاحب خانوار می­باشد. ضریب تغییرپذیری این مؤلفه در سال­های 1375- 1365 برابر با 08/0 و در سال 1385- 1375 برابر با 09/0 می­باشد. در بین روستاهای مورد مطالعه هندآباد با 08/84 دارای بیشترین میزان بهره­برداری خانوادگی در سال­های 1375- 1365 بوده و در سال­های 1385- 1375 روستای بانو با 28/77 درصد بیشترین میزان را داشته­اند. در کلیه روستاهای مورد مطالعه این بخش بیشترین میزان مالکیت در دست بهره­بردار خانوادگی در 20 سال مورد مطالعه بوده است و کمترین میزان مالکیت در خرده­مالکی در هر دو دوره­ی مورد مطالعه بوده است. در نتیجه کمترین میزان مالکیت را در روستاهای این بخش به خود اختصاص داده است که البته افزایش این مؤلفه در سال­های پایانی یعنی دوره­ی دوم مورد مطالعه، نسبت به مولفه­ی مالکیت خانوادگی کمتر بوده است.

**جدول 8. مولفه­های تغییر در ساختار سازمان تولیدی در بخش کشاورزی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **توضیحات** | **1375- 1365** | **1385- 1375** |
| **روستا** | **مزرعه** | **سایر مناطق** | **روستا** | **مزرعه** | **سایر مناطق** |
| میانگین | 04/61 | 59/37 | 36/1 | 75/50 | 59/47 | 65/1 |
| انحراف معیار | 76/6 | 69/6 | 93/0 | 59/11 | 69/11 | 17/1 |
| ضریب تغییرات | 11/0 | 18/0 | 68/0 | 23/0 | 24/0 | 71/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

جدول 8، مهم‌ترین تغییرات ساختاری در سازمان­های تولیدی مناطق روستایی مورد مطالعه را نشان می­دهد. بر طبق این جدول میانگین کل سازمان­های تولیدی در روستا در سال­های 1375- 1365، 04/61 و در سال­های 1375- 1385 برابر با 75/50 می­باشد. ضریب تغییر پذیری این نوع سازمان در دوره­ی اول برابر با 11/0 و در دوره­ی دوم مورد مطالعه برابر با 23/0 می­باشد که نشان از تغییرات در این ساختار می­باشد که حدود دو برابر دوره­ی اول می­باشد. همچنین میانگین کل ساختار سازمان تولیدی در سطح مزرعه در دوره­ی اول برابر با 59/37 و در دوره­ی دوم برابر با 59/74 درصد می­باشد و ضریب تغییرات در این ساختار در دوره­ی اول، 11/0 و در دوره­ی دوم 23/0 درصد می­باشد. که نشان دعنده­ی این مطلب است که تغییرات ساختاری در سازمان­های تولیدی نقاط روستایی در سطح روستا بیشتر بوده است.

**جدول 9. مؤلفه­های تغییر در ساختار شیوه­های تولید در بخش کشاورزی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **توضیحات** | **1375- 1365** | **1385- 1375** |
| **سنتی** | **نیمه مدرن** | **مدرن** | **سنتی** | **نیمه مدرن** | **مدرن** |
| میانگین | 92/78 | 22/19 | 85/1 | 62/43 | 41/16 | 97/39 |
| انحراف معیار | 32/16 | 24/16 | 65/0 | 84/9 | 77/10 | 26/13 |
| ضریب تغییرات | 21/0 | 84/0 | 35/0 | 22/0 | 66/0 | 33/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

با توجه به جدول شماره­ی 9، در دوره­ی اول مورد مطالعه­ی این پژوهش، تولیدات به شیوه­ی سنتی مهم‌ترین شیوه در میان روستاییان مورد مطالعه بوده است. در این دوره میانگین این مؤلفه 92/78 ولی در دوره­ی دوم به 62/43 تنزل پیدا کرده است. دلیل اصلی ایجاد چنین تغییراتی مکانیزه و نیمه مدرنیزه کشاورزی در این دوره می­باشد. یعنی در دهه­ی اخیر میزان استفاده از وسایل نوین کشاورزی بیشتر شده است. در بقیه­ی موارد میانگین کل نیمه مدرن در دوره­ی اول مورد مطالعه 22/19 و در دوره­ی دوم به 41/16 رسیده است که دلیل این عامل نیز به واسطه استفاده از وسائل کشاورزی ماشینی (تراکتور، کمباین و ...) در این مناطق می­باشد. همچنین میانگین کل برای شیوه­ی تولید با استفاده از وسایل مدرن (خرمن کوب، تراکتور و ...) در دوره­ی اول از 85/1 به 97/39 در دوره­ی دوم رسیده است. همچنین ضریب تغییرات برای هر یک از آن­ها در دوره­ی اول به ترتیب برابر با 21/0، 84/0 و 35/0 و در دوره­ی دوم برابر با 22/0، 66/0 و 33/0 می­باشد.

**جدول 10. مؤلفه­های تغییر در ساختار شغلی در بخش کشاورزی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **توضیحات** | **1375- 1365** | **1385- 1375** |
| **کمــی** | **کیفــی** | **کمــی** | **کیفــی** |
| **مرد** | **زن** | **باسواد** | **بیسواد** | **ماهر** | **غیرماهر** | **مرد** | **زن** | **باسواد** | **بیسواد** | **ماهر** | **غیرماهر** |
| ورده | 89/52 | 11/47 | 43/31 | 57/68 | 01/36 | 99/63 | 76/68 | 24/31 | 43/53 | 57/46 | 62/75 | 38/24 |
| میانگین | 69/51 | 30/48 | 30/32 | 69/67 | 25/18 | 74/81 | 17/67 | 82/32 | 45/55 | 54/44 | 02/43 | 98/56 |
| انحراف معیار | 54/8 | 53/8 | 70/7 | 70/7 | 92/8 | 92/8 | 30/8 | 30/8 | 51/14 | 51/14 | 32/19 | 32/19 |
| ضریب تغییرات | 16/0 | 17/0 | 23/0 | 11/0 | 48/0 | 11/0 | 12/0 | 25/0 | 26/0 | 32/0 | 45/0 | 34/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

مطابق جدول شماره 10، تغییرات کمی در ساختار کشاورزی در این مبحث شامل جنس می­باشد. در این مؤلفه تغییرات ایجاد شده در دوره­ی اول مورد مطالعه در بین مردان با میانگین 69/51، در دوره­ی دوم به 17/67 رسیده است که این مطلب نشان دهنده­ی انتقال نیروی کار کشاورزی از زنان به مردان می­باشد و در بین زنان نیروی کار کشاورزی کم شده است. از لحاظ کیفی در این پژوهش تغییرات ایجاد شده در ساختار شغلی بین میزان سواد و مهارت آنان بیان شده است که این تغییرات برای میزان سواد در دوره­ی اول با میانگین 30/32 درصد باسواد و 69/67 درصد بیسواد بوده­اند، این میزان در دوره­ی دوم مورد مطالعه به 45/55 باسواد و 54/44 بیسواد بوده­اند و نشان از تغییرات ایجاد شده در این ساختار می­باشد. ضریب تغییرات در دوره­ی اول باسواد (23/0) و برای بیسواد (11/0) بوده و برای دوره­ی دوم باسواد (26/0) و بیسواد (32/0) بوده است. همچنین میزان ماهر و غیرماهر بودن شاغلین نیز یکی دیگر از اثرات ساختار شغلی بر بخش کشاورزی می­باشد که به آن پرداخته شده است. میزان مهارت روستاییان در دوره­ی اول مورد مطالعه (1375- 1365) خیلی کم بوده است. میانگین این میزان در همین دوره برای افراد ماهر (25/18) و برای افراد غیر ماهر (74/81) بوده است. این در حالی است که میزان مهارت افراد در دوره­ی دوم (1385- 1375) برای افراد ماهر (02/43) و افراد غیر ماهر که اکنون نیز در مناطق روستایی زیاد هستند (98/56) می­باشد که نسبت به دوره­ی اول دارای تغییرات بسیاری می­باشد. ضریب تغییرات در دوره­ی اول در بین روستاهای مورد مطالعه برای افراد ماهر (48/0) و برای غیرماهر (11/0) بوده و برای دوره­ی دوم برای افراد ماهر (45/0) و برای غیرماهر (34/0) بوده است. در کلیه­ی روستاهای مورد مطالعه­ی این بخش میزان مهارت افراد در دوره­ی اول کم و در دوره­ی دوم افزایش یافته است. تغییرات ایجاد شده در همین زمینه در جدول 10 به آن اشاره شده است.

**جدول 11. مولفه­های تغییر وضعیت زمین در بخش کشاورزی**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **توضیحات** | **1375- 1365** | **1385- 1375** |
| **یکپارچه** | **قطعه قطعه** | **سایر** | **یکپارچه** | **قطعه قطعه** | **سایر** |
| میانگین | 92/57 | 85/33 | 23/8 | 28/45 | 19/47 | 52/7 |
| انحراف معیار | 13/12 | 37/11 | 17/3 | 13/12 | 65/11 | 90/2 |
| ضریب تغییرات | 21/0 | 33/0 | 38/0 | 27/0 | 25/0 | 39/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

از آنجا مهاجرت افراد روستایی را بیشتر قشر جوان و فعل جویای کار تشکیل می­دهد بنابراین تغییرات چندانی در وضعیت زمین در این مناطق به وجود نیامده است چون در این روستاها با مهاجرت جوانان از روستا افراد خانواده (پدر و مادر) آن‌ها در روستا باقی مانده و خود بر روی زمین­های کشاورزی کار می­کنند که این مورد هم از قطعه قطعه شدن زمین­های مزروعی جلوگیری خواهد شد و هم میزان تولید در آن­ها تغییر چندانی صورت نمی­گیرد. در این تحقیق چون اکثر مهاجرین انفرادی هستند لذا کشاورزی (آب و زمین) در دست صاحب خانوار باقی می­ماند و بزرگ مالکی در روستا ایجاد نمی­شود. میانگین کل زمین­های یکپارچه در روستاهای مورد مطالعه در دوره­ی اول مورد مطالعه 92/57 درصد یکپارچه بوده که این رقم در سال­های بعدی دوره­ی مورد مطالعه به 28/45 کاهش یافته است. همچنین میانگین کل زمین­های قطعه قطعه در دوره­ی اول 85/33 و در دوره­ی دوم 19/47 افزایش پیدا کرده است. سایر ارقام باقی مانده مربوط به سایر زمین­ها می­باشد. ضریب تغییرپذیری این ساختار در سال­های 1375- 1365 برابر با 21/0 برای زمین­های یکپارچه و 33/0 درصد برای زمین­های قطعه قطعه می­باشد که این ارقام برای دوره­ی 1385- 1375، به 27/0 برای زمین­های یکپارچه و 25/0 برای زمین­های قطعه قطعه می­باشد.

**جدول 12. تعداد کل شاغلان، شاغلان بخش کشاورزی و خدمات در روستاهای مورد مطالعه**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **نام آبادی** | **تعداد کل شاغلان** | **شاغلان بخش کشاورزی** | **شاغلان بخش خدمات** |
| **1365** | **1375** | **1385** | **1365** | **1375** | **1385** | **1365** | **1375** | **1385** |
| میانگین | 41/79 | 56/89 | 75/89 | 94/47 | 22/62 | 57/25 | 81/41 | 34/27 | 15/22 |
| انحراف معیار | 44/60 | 22/93 | 17/88 | 68/40 | 49/57 | 99/38 | 86/51 | 39/38 | 02/27 |
| ضریب تغییرپذیری | 76/0 | 04/1 | 98/0 | 85/0 | 92/0 | 68/0 | 24/1 | 40/1 | 22/1 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

**جدول 13. نسبت شاغلین بخش­های مختلف روستاها نسبت به کل شاغلین منطقه**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **نام آبادی** | **نسبت شاغلین بخش کشاورزی به کل شاغلین منطقه** | **نسبت شاغلین بخش خدمات به کل شاغلین منطقه** |
| **1365** | **1375** | **1385** | **1365** | **1375** | **1385** |
| میانگین | 74/0 | 70/0 | 52/0 | 26/0 | 29/0 | 47/0 |
| انحراف معیار | 10/0 | 09/0 | 10/0 | 10/0 | 09/0 | 10/0 |
| ضریب­تغییرپذیری | 13/0 | 12/0 | 20/0 | 37/0 | 30/0 | 22/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

همانطور که از جدول­های شماره 12 و 13 مشخص است میانگین اشتغال در بخش کشاورزی از آغاز دوره تا پایان دوره مورد مطالعه همواره از روند کاهش برخوردار بوده است. نسبت شاغلین بخش کشاورزی نسبت به کل شاغلین منطقه در سال 1365 برابر با 59/23 است. این نسبت در سال 1375 به 55/22 و در سال 1385 (پایان دوره) به 80/16 یعنی به کمترین میزان خود در این دو دهه رسیده است. اما نسبت شاغلین بخش خدمات نسبت به کل شاغلین منطقه در آغاز دوره (1365) برابر با 41/8 است. این نسبت در سال 1375 به 45/9 و در پایان دوره به بیشترین میزان خود یعنی 20/15 رسیده و نشان دهنده افزایش این نوع مشاغل در این منطقه می­باشد و بیانگر این نکته است که انتقال شاغلین روستایی از بخش کشاورزی در این منطقه زیاد و به کاهش این نوع مشاغل و مهاجرت آن‌ها به شهر جهت کار در بخش خدمات و صنعت منجر شده است. نمودار زیر نیز موئد همین مطلب می­باشد. همانطور که در جدول مشاهده می­شود کاهش اشتغال بخش کشاورزی در طی دوره­ی مورد بررسی یکی از اثرات مهاجرت بر آن می­باشد و همچنین باعث انتقال نیروی کار کشاورزی به دیگر بخش­های اقتصادی از جمله خدمات می­باشد. کاهش در دستمزدهای بخش کشاورزی در نتیجه کاهش در بهره­وری با ثابت بودن سایر شرایط، تفاوت دستمزد بین بخش شهری و روستایی را کاهش می­دهد. این تغییر در تفاوت دستمزدها در معادله مهاجرت، مهاجرت از روستا به شهر را افزایش می­دهد. نیروی کار فعال اثر منفی روی مهاجرت دارد چنانچه نیروی کار فعال (نیروی مشغول به کار در بخش کشاورزی) افزایش یابد مهاجرت کاهش می­یابد.

در مجموع مقدار نیروی کار در بخش کشاورزی، سرمایه و سطح سواد روستاییان اثر مثبت روی تولیدات بخش کشاورزی دارد. افزایش دستمزد روستایی باعث کاهش مهاجرت و با افزایش دستمزد شهری نسبت به روستایی مهاجرت افزایش می­یابد. در بررسی بین ارتباط ساختار کشاورزی و مهاجرت ماشین آلات باعث افزایش مهاجرت و نیروی کار فعال و سرمایه، باعث کاهش مهاجرت می­شود.

همانطور که در این پژوهش اشاره شد، مهاجرت مهم‌ترین پدیده­ای است که با تغییرات کمی و کیفی در نیروی انسانی، تولید بخش کشاورزی را شدیداً تحت تأثیر قرار می­دهد. به عبارتی دیگر تغییرات ساختار جمعیتی ناشی از مهاجرت بهره­وری بخش کشاورزی را متأثر می­کند. در این پژوهش سعی شد با استفاده از مدل­های جمعیت، مهاجرت و اشتغال همزمان با ارائه دو مدل از مهاجرت تأثیر مهاجرت را بر ساختار کشاورزی در روستاها بخصوص در بخش کشاورزی در دوره­ی زمانی 1385- 1365 مورد بررسی قرار دهیم.

در مجموع باید اشاره نمود که تأکید نتایج بر این مطلب استوار است که برای کاهش مهاجرت از روستاها به شهرها، که تولیدات بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار می­دهد باید تولید و درآمد در بخش کشاورزی افزایش یابد. در این بین باید به گسترش و توسعه کمی و کیفی سرمایه­ای انسانی توجه شود زیرا تغییرات جمعیتی منطقه مورد مطالعه بیشترین اثرات خود را بر ساختار شغلی ایجاد کرده است. با توجه به بحث و نتیجه­گیری که در راستای اثبات یا رد فرضیه­ی تحقیق انجام شد و مواردی که در مباحث مربوط به حرکت­های جمعیتی بررسی شد می­توان به اثبات یا رد فرضیه اول قدم گذاشت.

**جدول 14. ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و تغییرات جمعیتی**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **توضیحات** | **میزان خطای مجاز (P)** | **سطح معناداری** | **ضریب همبستگی (R)** | **میزان تغییر پذیری** |
| میزان موالید | 05/0 | 008/0 | 68/0 | 25/0 |
| میزان مرگ و میر | 05/0 | 016/0 | 73/0 | 24/0 |
| میزان طلاق | 05/0 | 017/0 | 74/0 | 21/0 |
| میزان مهاجرت | 05/0 | 003/0 | 85/0 | 33/0 |

مأخذ: یافته­های پژوهش

جدول شماره 14، مهم‌ترین عوامل تغییر و تحول جمعیتی در روستاهای مورد مطالعه را نشان می­دهد. طبق نمودار ارائه شده، میزان موالید با ضریب تغییرپذیری 25/0، میزان مرگ و میر با 24/0 درصد، میزان طلاق با 21/0 درصد و میزان مهاجرت با 33/0 درصد می­باشد که با توجه به ارقام مشاهده شده به این نتیجه می­رسیم که مهاجرت با بیشترین میزان تغییرپذیری عمده­ترین عامل تغییر و تحولات جمعیت در بخش مرکزی شهرستان سردشت بوده است.

با توجه به جدول شماره 14 رابطه­ی همبستگی بین متغیرها با همدیگر بیان شده است. در این جدول از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. بر طبق این جدول همبستگی بین متغیرها با هر یک از عوامل و متغیرهای تغییرات جمعیتی معنادار بوده است که موالید با 68/0، مرگ و میر با 73/0، طلاق با 74/0 و مهاجرت با 85/0 همبستگی داشته­اند. سطح معناداری این متغیرها در سطح 05/0 می­باشد و چون کوچک‌تر از میزان خطای مجاز می­باشد دارای ارتباط مثبت و معنی­داری می­باشند که در این بین مهاجرت دارای بالاترین میزان همبستگی بوده است. بنابراین روند تغیییرات جمعیتی از سال 1365 تا 1385 نشانگر این است که جمعیت روستاهای این منطقه در بین طبقات پایین­تر از 250-1 نفر به شدت روند نزولی داشته است و اغلب روستاهای واقع در طبقات جمعیتی کمتر از 100 نفر، مهاجرفرست بوده­اند و حتی بعضی از آن­ها تخلیه شده­اند. بر اساس یافته­ها و همچنین عطف به فروض تحقیق مشاهده شد که مهاجرت در روستاهای مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان سردشت روندی افزایشی دارد و مهاجرت بی­رویه­ی روستاییان یکی از عوامل مهم در تغییرات و تحولات جمعیت روستایی بوده است. لذا فرض یک این تحقیق که مهاجرت عمده­ترین عامل تغییر و تحولات جمعیتی در مناطق روستایی مورد مطالعه بوده است، پذیرفته می­شود.

یکی از دلایل اساسی عقب ماندگی اقتصادی در مناطق روستایی شهرستان سردشت، پایین بودن نیروی اشتغال از لحاظ کیفی است. در مناطق روستایی میزان بهره­وری عوامل تولید (نیروی انسانی، زمین، آب و سرمایه و ...) بسیار پایین می­باشد. بخش کشاورزی به دلیل عدم قابلیت جذب نیروی انسانی با کاهش اشتغال مواجه می­باشد. این موضوع دلایل مختلفی دارد که حرکات جمعیتی روستایی از جمله­ی آن‌ها می­باشد. به همین خاطر در اینجا به منظور آزمون این ادعا به ارتباط تغییرات جمعیتی با ساختارهای کشاورزی می­پردازیم. برای این منظور از ضریب رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شده است. بدین منظور، متغیرهای مستقل (عوامل تغییرات جمعیتی) و متغیرهای وابسته (ساختارهای کشاورزی) در معادله­ی رگرسیون وارد شده­اند. جدول 15 ضرایب رگرسیونی و سایر اطلاعات برآمده از محاسبه رگرسیون چند متغیری را نشان می­دهد.

**جدول 15. نتایج تحلیل رگرسیونی دو متغیری مربوط به تأثیر متغیرهای جمعیتی (مستقل) بر ساختارهای کشاورزی**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغــــــیرها** | **X1** | **X2** | **X3** | **X4** |
| **موالید** | **مرگ و میر** | **طلاق** | **مهاجرت** |
| **Y1** | **تغییر در مالکیت** | ضریب رگرسیون | \*68/0 | \*51/0 | 51/0 | \*61/0 |
| آماره t | 5/2 | 5/2 | 01/1 | 3 |
| **Y2** | **تغییر در شیوه­های تولید** | ضریب رگرسیون | \*57/0 | \*56/0 | 48/0 | \*58/0 |
| آماره t | 8/2 | 3/2 | 7/1 | 7/2 |
| **Y3** | **تغییر سازمان تولید** | ضریب رگرسیون | 29/0 | 35/0 | 32/0 | \*26/0 |
| آماره t | 8/1 | 5/0 | 3/1 | 2/2 |
| **Y4** | **تغییرات در وضعیت نیروی شاغل** | ضریب رگرسیون | 69/0\* | \*60/0 | \*59/0 | \*71/0- |
| آماره t | 8/3 | 3/3- | 4/2 | 2/3 |
| **Y5** | **تغییر در وضعیت تکنولوژی** | ضریب رگرسیون | 61/0\* | \*58/0 | 48/0 | \*42/0 |
| آماره t | 9/2 | 1/2 | 7/1 | 3/2 |
| **Y6** | **تغییرات در اندازه زمین** | ضریب رگرسیون | \*66/0 | 58/0- | \*67/0- | \*69/0 |
| آماره t | 5/3 | \*4/2 | 6/2- | 3 |
| **Y7** | **تغییر در نوع محصولات** | ضریب رگرسیون | \*56/0 | 51/0 | 27/0 | 68/0 |
| آماره t | 5/2 | 1/1 | 6/0 | 5/2 |
| **Y8** | **تغییر در شیوه­های مبادله و بازاریابی** | ضریب رگرسیون | \*34/0 | 21/0 | 34/0 | \*43/0 |
| t آماره | 05/2 | 5/1 | 01/1 | 43/0 |

**علامت \* نشانه معنی­دار بودن ضریب متغیر در سطح 05/0 می­باشد.**

مأخذ: یافته­های پژوهش.

با توجه به جدول 15 رابطه­ی بین موالید با هر یک از متغیرهای وابسته تحقیق به شرح زیر می­باشد. با توجه به نتایج حاصل شده رابطه معنی­داری بین مالکیت و موالید وجود دارد. ضریب رگرسیون محاسبه شده برای این متغیر 68/0 درصد می­باشد که با توجه به آماره­ی t دارای رابطه­ی مثبت و معنی­داری با مالکیت می­باشد بدین صورت که با یک درصد افزایش در موالید می­تواند سبب 68/0 افزایش در مالکیت شود. در بین عوامل موالید با تغییر در شیوه­های تولید نیز ارتباط مثبت و معنی­داری وجود دارد. نتایج نشان داد ضریب برآوردی برای این متغیرها معنی­دار و علامت مورد انتظار آن مثبت می­باشد. مقدار این ضریب 57/0 و نشان دهنده­ی آن است که این متغیر می­تواند سبب 57/0 افزایش در مالکیت شود.

بر اساس نتایج بدست آمده بین موالید و تغییر سازمان تولید هیچ رابطه­ای وجود نداشته است. نتایج نشان داد در کوتاه مدت ارتباط مثبت و معنی­داری بین موالید با تغییرات در وضعیت نیروی شاغل وجود دارد. ضریب رگرسیون محاسبه شده برای این دو متغیر 69/0 می­باشد یعنی اینکه با افزایش یک درصد در موالید سبب 69/0 افزایش در اشتغال می­شود.

نتایج حاصل از متغیر مرگ و میر در رابطه با ساختارهای کشاورزی به دست آمده نشان می­دهد که رابطه­ی مثبت و معنی­داری با مالکیت کشاورزی وجود دارد. بدین معنا که با افزایش مرگ و میر تغییر در مالکیت هم بیشتر شده است. ضریب محاسبه شده برای این متغیرها 51/0 می­باشد. بین مرگ و میر با سازمان­های تولیدی در مناطق روستایی، تغییرات در نوع محصولات و تغییر در شیوه­های مبادله هیچ رابطه­ای وجود نداشته و نشان دهنده­ی عدم تأثیر مولفه­ی مرگ و میر بر این متغیرها می­باشد. رابطه­ی مرگ و میر با اشتغال مناطق روستایی مورد مطالعه دارای یک رابطه­ی معکوس و معنی­داری با ضریب 60/0- می­باشد که با توجه به نتایج آماره­ی t نشان دهنده­ی یک ارتباط قوی با ساختار اشتغال در منطقه­ی مورد مطالعه می­باشد. همچنین با توجه به معادله مطرح شده در رگرسیون خطی با افزایش 1 درصد در مرگ و میر می­توان سبب 60/0 درصد کاهش در ساختار اشتغال منطقه شود. و همچنین بر عکس با کاهش 1 درصد در مرگ و میر منطقه سبب 60/0 افزایش در ساختار شغلی منطقه شود. همچنین رابطه­ی بین مرگ­و­میر نیز با تغییر در اندازه­ی زمین دارای یک رابطه­ی معکوس و معنی­دار می­باشد بدین معنی با افزایش مرگ و میر در منطقه تغییراتی نیز در اندازه زمین در اثر قوانین ارث به وجود می­آید. ضریب رگرسیون محاسبه شده برای این متغیر 58/0- می­باشد که با توجه به آماره­ی t محاسبه شده دارای یک رابطه­ی معکوس و معنی­دار می­باشد.

در مورد وضع زناشویی بخصوص طلاق در ارتباط با ساختارهای کشاورزی نتایج حاصل نشان می­دهد که این مؤلفه با بیشتر ساختارهای کشاورزی معنی­دار نبوده و در نتیجه این عامل کمترین اثر را در بین عوامل و تغییرات جمعیتی را بر ساختارهای کشاورزی منطقه داشته است. این عامل فقط با ساختار اشتغال و تغییر در وضعیت زمین رابطه داشته است. که نتایج آن دارای رابطه­ی مثبت و معنی­دار با مالکیت می­باشد. در رابطه با اشتغال نیز دارای یک رابطه­ی مثبت و معنی­دار با ضریب 59/0 می­باشد و نشان از رابطه­ی قوی بین این دو متغیر می­باشد. میزان زناشویی بر تغییر در اندزه­ی زمین نیز معنادار به دست آمد که نشان دهنده­ی تأثیر معکوس و غیر مستقیم بر زمین­های روستایی است. زیرا با جدایی بین دو فرد خانواده زمین نیز بین آن­ها تقسیم شده و منجر به قطعه قطعه شدن آن و قانون ارث اجرا می­شود. هر چه طلاق در روستاهای مورد مطالعه زیاد باشد اثرات آن نیز بر روی زمین بیشتر بوده است. ضریب این عامل 67/0- می­باشد که با توجه به آماره­ی t محاسبه شده دارای یک رابطه­ی معکوس می­باشد.

در نهایت در مورد مهاجرت نیز به عنوان یکی از متغیرهای تغییر و تحولات در ساختارهای کشاورزی دارای رابطه­های معنی­داری با مولفه­های ساختار کشاورزی می­باشد. نتایج نشان داد که مهاجرت اثر مثبت و معناداری بر تغییر مالکیت دارد و 1% افزایش در مهاجرت می­تواند سبب 61/0 درصد افزایش تغییر در مالکیت شود. در تغییر در شیوه­های تولید نیز دارای یک رابطه­ی مثبت و معنی­داری با مهاجرت می­باشد. در تحلیل رگرسیونی محاسبه شده برای این متغیر ضریب 58/0 به دست آمده که نشان از تأثیر مهاجرت بر این ساختار می­باشد. در رابطه با سازمان­های تولیدی مناطق روستایی با مهاجرت منطقه­ی مورد مطالعه نیز رابطه­ی مثبت و معنی­داری وجود دارد. نتایج نشان می­دهد که با افزایش تعداد مهاجرین میزان تغییر در سازمان­های تولیدی نیز به میزان 26/0 تغییر می­کند و در نتیجه اثر مثبت بر سازمان تولید می­گذارد.

بر اساس نتایج حاصله در جدول 15 و همچنین آزمون T محاسبه شده برای دو متغیر مهاجرت و ساختار اشتغال در بخش کشاورزی نشان داد که ضریب برآوردی رگرسیون معنی­دار و علامت مورد انتظار آن منفی می­باشد در نتیجه دارای یک رابطه­ی معنی­دار و معکوس بین این دو متغیر می­باشد. به طوری که در بین ساختارهای کشاورزی بیشترین اثر مهاجرت بر ساختار شغلی ایجاد شده است. ضریب رگرسیون محاسبه شده برای آن 71/0- می­باشد و این نشان دهنده­ی این است که، 1% افزایش در مهاجرت می­تواند سبب 71/0 کاهش در اشتغال منطقه به وجود آید. در نهایت بین متغیر مهاجرت با دیگر ساختارهای کشاورزی (تغییر در وضعیت تکنولوژی، تغییرات در اندازه زمین، تغییر در نوع محصولات و تغییر در شیوه­های مبادله و بازاریابی) نیز دارای یک رابطه­ی مثبت و معنی­دار می­باشند که ضریب رگرسیونی محاسبه شده برای هریک از آن‌ها به ترتیب برابر با 42/0، 69/0، 68/0 و 43/0 درصد می­باشد. در نتیجه نشان دهنده­ی ارتباط مهاجرت با هریک از مولفه­های تغییر در ساختار کشاورزی می­باشد. که در این بین می­توان میزان مهاجرت با کوچک یا بزرگ‌تر شدن زمین­های کشاورزی اربتاط معنی­داری وجود دارد. زیرا زمین­های کشاورزی مناطق روستایی مورد مطالعه در صورت مهاجرت افراد از قانون ارث تبعیت کرده و با افزایش مهاجرین اندازه­ی قطعات زمین نیز کوچک یا بزرگ‌تر شده است.

بر اساس یافته­های تحقیق تغییر و تحولات جمعیتی می­تواند بر بخش کشاورزی اثر مثبت و منفی داشته باشد. که در این بین موالید، مرگ و میر، وضع زناشویی و مهاجرت بر ساختارهای کشاورزی به صورت مثبت و منفی بر این ساختار اثر گذاشته و بر اساس نتایج حاصله و آزمون T محاسبه شده بیشترین اثرات خود را بر ساختار شغلی این منطقه وارد کرده است. بنابراین فرض دوم این تحقیق که تغییرات جمعیتی منطقه بیشترین اثرات خود را بر ساختار شغلی منطقه ایجاد کرده است، رد نمی­شود.

همانطور که در مدل ضریب رگرسیون جدول شماره­ی 15 ملاحظه می­شود، ارتباط عامل­ها و متغیرهای هشت­گانه ساختار کشاورزی با عامل تغییرات جمعیتی، با کنترل آماری نیز معنادار بوده است. ضرایب رگرسیونی نشان می­دهد، بیشترین ضریب رگرسیون بین تغییرات جمعیت آبادی­ها با تنوع ساختارهای کشاورزی با ساختار شغلی وجود داشته است. میزان ضریب رگرسیون این عامل 72/0 می­باشد. بنابراین با توجه به موارد بالا می­توان نتیجه­گیری کرد که تغییرات جمعیتی روستاهای مورد مطالعه بیشترین اثرات خود را بر ساختار شغلی منطقه ایجاد کرده است و فرضیه­ی دوم این تحقیق که «تغییرات جمعیتی منطقه­ بخش مرکزی شهرستان سردشت بیشترین اثرات خود را بر ساختار شغلی ایجاد کرده است» رد نمی­شود.

**بحث و نتیجه گیری**

مطالعات صورت گرفته و مطالب عنوان شده در این فصل و فصول گذشته می­توان به این نتیجه رسید که تغییرات جمعیتی منطقه مورد مطالعه تابع سیستم باز جمعیتی یا مهاجرت بوده است. جهت اثبات این فرض باید گفت که طی سال­های 85-65 جمعیت این بخش با کاهش روبه رو بوده است. این کاهش جمعیت پیامدهایی را به همراه داشته است. مهم‌ترین این پیامدها کاهش جمعیت این بخش در این سال­ها می­باشد. به طوریکه از مجموع 32 آبادی مورد مطالعه و مسکونی در سال 1389، 22 آبادی یا 97/70 درصد آبادی­ها دارای تغییرات منفی جمعیت نسبت به سال 1365 بوده­اند و یا به عبارتی دیگر با کاهش جمعیت روبه رو بوده­اند. این کاهش جمعیت منجر به تخلیه روستاها گردیده است تا جایی که تعدادی از آبادی­هایی که در دوره­ی آماری 1365- 1355 دارای سکنه بوده­اند در دوره­ی آماری 1385 جمعیت آن‌ها تخلیه شده و جزو آبادی­های خالی از سکنه قرار گرفته­اند. در سال 1365 در این بخش 209 آبادی مسکونی وجود داشته است ولی در سال 1385 تعداد آبادی­های مسکونی به 170 روستا تقلیل یافته است. مهاجرفرستی زیاد این روستاها توسط مهاجرین، زمینه فعالیت را برای شاغلین بخش آزاد مانند کسبه و ... محدود کرده است و آن‌ها نیز ناچار روز به روز به مهاجرت روی آورده­اند. مضافاً بر اینکه تخلیه تدریجی روستاها باعث افزایش احساس ناامنی افراد ساکن شده، بقیه روستاها نیز مهاجرت کرده­اند. تا جایی که روستاها به طور کامل تخلیه شده­اند.

با خالی شدن روستاها از جمعیت، برنامه­ریزی­های اقتصادی، اجتماعی و اختصاص بودجه از طرف دستگاه­های دولتی برای اینگونه روستاها صورت نمی­گیرد و در نتیجه پدیده­ی فقر، عقب ماندگی و مشکلات دیگر گریبانگیر محل می­شود و این مسئله خود روند مهاجرت را شدیدتر ساخته، زیرا خدمات رسانی به روستاها کاهش یافته و به عبارتی دیگر، عدم تعادل­های اقتصادی و به دنبال آن اجتماعی بین روستاها و شهرها بوجود آمده است.

یکی دیگر از تغییرات جمعیتی ناشی از مهاجرت، کاهش جمعیت فعال منطقه مورد مطالعه است. از آمار و ارقام ارائه شده در فصول گذشته نشان می­دهد که مهاجرت چقدر بر کاهش نیروی کار فعال منطقه اثر گذاشته است. علاوه بر این مقایسه آمارها نشان از کاهش جمعیت روستایی و افزایش جمعیت شهری دارد که تبدیل روستاها به شهر (مانند میر آباد، ربط و در آینده نلاس)، از پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهرها می­باشد.

مقایسه ارقام در فصول پیشین حاکی از این است که بخش کشاورزی نه تنها جوابگوی اشتغال جمعیت فعال نبوده بلکه تا حدودی بعد انگیزشی خود را نیز از دست داده است و لذا بخشی از جمعیت یا در روستاها به دیگر بخش­های اقتصادی جابه­جا شده و یا به دلیل محدودیت­های موجود این بخش در منطقه برای پیدا کردن شغل مناسب و گذران زندگی دست به مهاجرت زده­اند. همانطور که گفته شد این شهرستان در سال 1365 دارای یک نقطه شهری بوده که این رقم در سال 1385 به 3 نقطه شهری رسیده است.

فقدان فرصت­های شغلی مناسب در بخش­های کشاورزی و غیرکشاورزی مهم‌ترین عامل تأثیر در مهاجرت روستاییان ناحیه به شمار می­رود. به بیان دیگر نبود یا کمبود فرصت­های شغلی مناسب در روستاها مهم­ترین عامل مهاجرت روستاییان ناحیه به شمار می­آید. یافته­های این تحقیق بیانگر این واقعیت است که تغییرات در ساختار فرصت­های شغلی در روستاها مهم‌ترین عامل مهاجرت روستاییان مورد مطالعه می­باشد که آزمون فرض این تحقیق نشانگر همین واقعیت می­باشد.

**منابع و مأخذ**

1. ابراهیم­پور، محسن،1382، **تغییرات جمعیت روستایی ایران و رابطه آن با مؤلفه­های توسعه در چند دهه اخیر**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره 51- 50، 122- 89.
2. احمدی، شیرکو و توکلی، مرتضی، 1395، **ارزیابـی و سنجش وضعیت پایـداری محله‌ها در شهـر سـردشت**، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه­ای، دوره 6، شماره 20، 153-170.
3. احمدی، شیرکو، 1389، **تحلیل تغییرات جمعیت روستایی و اثرات آن بر ساختار کشاورزی در بخش مرکزی شهرستان سردشت**، پایان­نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: مرتضی توکلی، رشته جغرافیا و برنامه­ریزی روستایی، دانشگاه زابل.
4. امانی، م،1380، **مبانی جمعیت­شناسی**، تهران: سمت.
5. امیر تیموری، سمیه و خلیلیان، صادق، 1386، **رشد بهره­وری کل عوامل تولید در بخش کشاورزی ایران و چشم انداز آن در برنامه­ی چهارم توسعه**، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال پانزدهم. 59: 52- 37.
6. بلالی، حمید و خلیلیان، صادق، 1382، **تأثیر سرمایه­گذاری بر اشتغال­زایی و تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی ایران**، اقتصاد کشاورزی و توسعه، 11 (42- 411): 135- 117.
7. جلالیان، حمید و محمدی یگانه، بهروز، 1386، **تحلیل عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی شهرستان زنجان از سال 1355 تا 1375**، پژوهش­های جغرافیایی، 61: 99- 89.
8. جهانی، حمید رضا، 1385، **بررسی ارتباط مهاجرت و بهره­وری کشاورزی در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد کشاورزی دانشگاه زابل.
9. دادرس مقدم، امیر و زیبایی، منصور، 1387، **نرخ رشد بهره­وري نيروي كار در بخش كشاورزي ايران**، اقتصاد كشاورزي و توسعه، سال شانزدهم، 64: 18- 1.
10. **رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ سجادی، ژیلا و یوسفی دستجرد**، **حبیبه، 1396، کشاورزی معیشتی و تحول ساختار اقتصادی روستاهای کوهستانی: دهستان چالدران جنوبی-شهرستان چالدران (حوضه آبریز ارس)**، پژوهش­هاي دانش زمين، سال هشتم، شماره 32، صفحات 160 – 147.
11. رزاقی، ابراهیم، 1371، **ساختار کشاورزی ایران و تنگناهای آن از دیدگاه توسعه درون زا**، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 65 و 66، صفحه70 – 77.
12. رمضانیان، محمد،1380، **سالخوردگی جمعیت شاغل در بخش کشاورزی ایران، دلایل و پیامدها**، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، 36: 235- 207.
13. صادقی، حسین و همایونی فر، مسعود، 1380، **نقش کشاورزی در تأمین اشتغال و کاهش بیکاری**، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار-پژوهش­های اقتصادی، دوره (1)، شماره (1)، صفحات 34 – 17.
14. ضیاء توانا، محمد حسن.، 1369، **نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران**، رشد آموزش جغرافیا، شماره 24، ص 4-11.
15. عظیمی، ناصر، 1381، **مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت**، مدیریت شهری، 10: 29 – 16.
16. قاسمی سیانی، محمد، 1383، **اثرات احداث شهرک­های صنعتی در نواحی روستایی: مطالعه موردی شهرک صنعتی اصفهان**، پایان­نامه کارشناسی ارشد، دانشکده­ی ادبیات دانشگاه شهید بهشتی.
17. كشاورز حداد، غلامرضا، 1383، ارزیابی پتانسیل‌های اشتغال­زایی بخش­های مختلف اقتصاد ایران، دوره 6، شماره 18، صفحه 39-56.
18. مافی، عزت الله؛ حسيني، سيد مصطفي؛ دادرس، محمود، 1394، **بررسی وضعیت مهاجرپذیری شهرستان مشهد در دوره 1385- 1390**، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی خراسان رضوی، صص 18- 1.
19. مرکز آمار ایران، سرشماری سال­های 1395 و 1385- 1365، شهرستان سردشت و روستاهای شهرستان سردشت.
20. مطیعی لنگرودی، حسن، 1383، **جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی)،** چاپ دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، صفحه 201.
21. منفرد، نوذر، و زمانی، غلامحسین، 1384، **ارزیابی برنامه­های بهسازی منابع انسانی در سازمان­های جهاد کشاورزی**. مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، سال دوازدهم، 6: صص 59 - 49.
22. میکانیکی، جواد و قالیبافان، حسن، ۱۳۸۲، **اثرات مهاجرفرستی بر ساختار جمعیت مناطق روستایی**، نشریه جغرافیا و توسعه، صص ۱۶۵۱۷۹.
23. نگینی فرد، معصومه، ۱۳۹۰، **بررسی نقش اقتصادی محصولات استراتژیک و اثر آن در توسعه روستایی**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور واحد بیرجند.
24. نوری، هدایت الله؛ صادقی، حجت اله؛ راستی، هادی؛ درویشی، هدایت الله، 1392، **بررسی نقش کشاورزی در پایداری جمعیت روستایی (مورد مطالعه: بخش دهدز؛ شهرستان ایذه)**، دوره 2، شماره 8، صفحه 65-78.
25. یحیی آبادی، ابوالفضل، 1382، **تغییرات ساختاری، رشد اقتصادی و اشتغال بخش کشاورزی**. همایش کشاورزی و توسعه ملی، وزارت کشاورزی، 17 و 18 آذر ماه 1382، تهران.
26. Balan, Jorge, 1996, **Demographic trends and migratory movements form Latin, America and Carabian**, OCDE, International conference on migration, Rome.
27. Boserup, Ester, 1981**, Population and Technological Change: A Study of Longterm Chicago**, University of Chicago press.
28. Boserup, Ester. 1965. **The Conditions of Agricultural Growth**, London: allen and unwin.
29. Boserup, Ester. 1995. **The Impact of Population Growth on Agricultural Output**, The quarterly journal of economics, 6, Coleman, D. and R, Schofield. 1986. The State of Population Theory Basil Blackwell ltd.
30. Conto, F et al, 2011, **the role of education, knowledge and human resources for the agricultural development in the perspective of a case of study in a semiarid Mediterranean landscape**, Ecological Indicators, 8 :672 – 685.
31. Devitiis B, Maietta OW, 2009, **Capitale umano e produttività del lavoro agricolo nelle regioni dell'Unione Europea**, Agriregionieuropa, 5: 16.
32. Elina, E, 2003, **Rural Development Cooperation Learning from Finland’s International Projects and Programmers**. Hakapaino Oy Helsinki.
33. Foley, D. K, 2000, **Stabilization of Human Population through Economic Increasing Returns**. Economics Letters. Vol. 68, pp 309-317.
34. Gillis, M. et al, 1992, **Economic Development**, W.W. Norton Company Ltd.
35. Huang, M., Robert, D. and Simons, A, 2002, **Rural Labour Market: The Case of China**, journal of Agricultural Economics, 23: pp 117- 127.
36. Itziar, D., Aranzabal, A., Maria Fe, Schmitz, A, Pedro, A, Francisco, D., Pineda, 2008, **Modeling of landscape changes derived from the dynamics of socio-ecological systems a case of study in a semiarid Mediterranean landscape**, Ecological Indicators, 8 :672 – 685.
37. Johnson, K. M, 1999, **The Rural Rebound. Population Reference Bureau, Reports on America**, New York, NY.
38. Keenleyside, C and Tucker, G.M., 2010, **Farmland abandonment in the EU: an Assessment of Trends and Prospects, Report prepared for WWF**, Institute for European Environmental Policy, London.
39. Kotsov, Ph. and j. Lingard, 2001, **Integrated Rural Development- do we Need a New Approach?.** Seminar of the European Association of Agricultural Economists, 28-30 June, Alcona.
40. Koutsouris. A, 2000, **A systems, Approach to Agriculture and Rural Development, Dept. of Agricultural Economy and Rural Development**, Agricultural University of Athens, Greece.
41. Mattas, K., Tsakiri, M and Loizou, S, 2006, **Rural Population Changes and Structural Lmpacts Upon Agriculture and Regional Economy**, the 96th EAAE Seminar, Causes and impact of agricultural structure Taenikon, Switzerland January, 10-11, p 1.
42. McNicoll, G. and Cain, M, 1990, **Rural Development and Population**, Oxford University press.
43. Terry, L. R. and Shirin, S. 2004. **Rural-Urban Migration and Economic Growth in Developing Countries**. [**http://ideas.repec.org/p/red/sed004/241.htm1**](http://ideas.repec.org/p/red/sed004/241.htm1).

**Analyzing the Role of Population Change in Rural Agricultural Structure (Case Study: Sardasht City)**

**Abstract**

Villages and villages in Iran are of great importance.The lack of attention to the spatial village,the ability and facilities of rural production,and the lack of attention to human resources in the plentiful areas are major problems in reaching the village of development.How rural areas in general and the agricultural sector are specifically affected by population changes requires a review of several factors. In this regard,recognizing the interactions between population changes and agricultural structures is essential.The location of Sardasht in the mountainous region has encountered the city with environmental constraints related to the growth of agricultural sector.Also,demographic changes have led to an increase in the scope of agricultural development constraints which has led to numerous consequences.In this research,the effect of quantitative and qualitative changes in the population of villages on agricultural structures has been investigated.The main ones are crop production method, population of agricultural workers,production methods and technology of agricultural sector in Sardasht city.Research methodology is based on library studies and surveying and survey.The statistical population of this study consists of 169villages in the central part of the study,of which32 villages were selected by random sampling method.To analyze the data,SPSS software was used.The results show that migration among the factors and demographic changes is the main factor of demographic changes and changes in the study area,which has been shown to decrease and demilitarize the region.Also,the results of T test show that demographic changes in the region have the most effects among agricultural structures,on the structure of the agricultural sector and indicates that in the studied area,agricultural activities do not meet the economic needs and employment situation in the region.Therefore,it is necessary to pay significant attention to increase income,reduce rural migration and create employment from environmental capabilities in order to create balance and employment in the region.

**Keywords**: Central Section, Agricultural Sector, Population Analysis, Structure, Sardasht City.

1. **. \*نـویسندۀ مسئـول: 09129335512**  **E-Mail:** **shirkoahmadi@gmail.com** [↑](#footnote-ref-1)
2. 1. Bezhve (Eslam Abad) 2. Betush 3. Bano 4. Baghi 5. Bewran Sare 6. Bnawile kochek 7. Bnawile bozorg 8. Briswe 9. Bana Zer 10. Khre Agal 11. Darsaven 12. Dolagarm 13. Jajoka 14. Zoran 15. Zera Merg 16. Shlmash 17. Balan 18. Senjwe 19. Gazan 20. Qolteh 21. Kolasai Olya 22. Kolasai Sofla 23. Qola Swer 24. Gawalan Khware 25. Goline Bozorg 26. Grves 27. Maragan 28. Mala Shikh 29. Niskave (Nisk Abad) 30. Handave (Hend Abad) 31. Vatmanave (Vatman Abad) 32. Warde [↑](#footnote-ref-2)